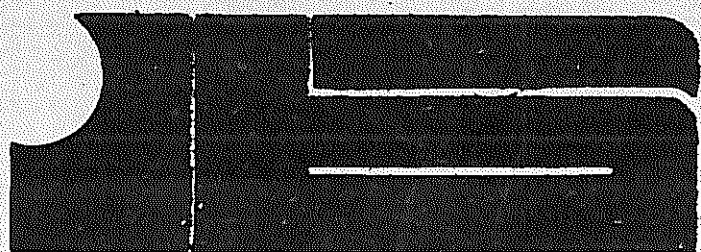


**کارگران و زحمتکشان
متحد شوید**



۱۷ اسفند (۸ مارس)
روز جهانی زن گرامی باد.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
پنجمشنبه ۱۴ اسفند ۱۳۵۹
سال دوم شماره ۱۰۰

Iranische Bibliothek in Hannover
**نگاهی به اوضاع سیاسی
و حرکت اخیر لیبرالها**
مدتهاست که مسئله جنگ، به عمده ترین مسأله حاکمیت تبدیل شده است. بیشترین نیروی دولت (هزینه های سرسام آور نظامی، تداوم کاتین، تبلیغاتی نیروی انسانی و غیره) در این جهت صرف شده و میشود، در حالیکه موازنه قوا همچنان به نفع ارتش عراق بوده و کوچکترین نشانه ای هم از تغییر آن در آنجا دیده نمیشود. تا چندی پیش، مسأله گروگانها نیز در کنار مسأله جنگ قرار داشت قبل از آزادی گروگانها، حزب جمهوری اسلامی که به قدرت مسلط دولتی تبدیل شده بود فکر میکرد که با آزاد کردن گروگانهای آمریکائی، از یکسو میتواند در انتخابات ریاست جمهوری

**۱۹ اسفند سالروز
انتشار نشریه
کار**

۱۹ اسفند سالروز انتشار نشریه "کار" ارگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران یک نقطه عطف در روند مبارزاتی سازمان محسوب میشود. با انتشار شماره ۱۰۰ اسفند سال از انتشار "کار" گذشت. اکنون که در آستانه سومین سال آغاز فعالیت نشریه قرار داریم لازم است که مختصراً تاریخچه و چگونگی انتشار "کار" نقاط ضعف و مثبت آن، نقشی را که تا کنون در سطح جنبش ایفا کرده است، و آنچه که طی دو سال گذشته در مبارزه میان دو خط مشی انقلابی و پورتونیستی بر "کار" گذشت تشریح کنیم، تا جنبه های دیگری از مبارزه میان دو خط مشی برخواهند آمد. نشریه روشن گردید. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران که با مبارزه پیگیر خود در دوران رژیم شاه، خود را بتوده ها معرفی کرده بود، بویا شرکت فعال در قیام توده ها، بیش از پیش در میان آنها محبوبیت یافته بود، بعنوان تنها سازمان کمونیستی نیرومند از قیام سر فراز بیرون آمد. هنوز روزهای پرجوش و خروش قیام بود که تعداد دزیا دی از عناصر آگاه و توده های مردم بسوی سازمان روی می آوردند. وظایفی نوین و دشوار رو در روی سازمان قرار گرفته بود. مسئله سازماندهی تبلیغ و ترویج توده ای بویژه با توجه به کمبود کارکنان های ورزیده، دشوارترین مسئله ای بود که سازمان با آن روبرو بود. هیچ وسیله ای جز یک نشریه سراسری هر چند با محدودیتها، کمبودها و نقاط ضعف فراوان نمیتوانست، از عهده این وظایف دشوار برآید. بنا بر این صورت انتشار یک نشریه سراسری در دستور کار قرار گرفت. هیئت تحریریه کار که هسته اولیه آن را سه رفیق تشکیل میدادند، علیرغم مخالفتها که از سوی پاره ای افراد که اکنون در راس اپورتونیستها قرار دارند، صورت می گرفت مصرابرمسئله انتشار نشریه سراسری تاکید داشت و بالاخره اولین شماره "کار" در ۱۹ اسفند ۱۳۵۷ منتشر شد. بقیه در صفحه ۲

**سیاست فریب و دروغ دولت جمهوری
اسلامی در مسئله آزادی جاسوسان
آمریکائی**
در ماجرای آزادی جاسوسان آمریکائی در حالی که دولت رجائی در نهایت سازشکاری در برابر امپریالیسم آمریکا کمزخم میکشد،

★ ویژه نامه روز جهانی زن
روز ۱۷ اسفند منتشر میشود

**رجائی با زهم زحمتکشان را
به صبر انقلابی دعوت کرد!**
صفحه ۱۴

در این شماره:

- جنبش جهانی
- جنبش کارگری
- از: اعلامیه ها، ... کارگران پیشرو
- از میان نامه های کارگران

**حیره بندی ارتجاعی بسود
سرمایه داران علیه زحمتکشان**
توضیح
بعلت اشکالاتی که در نحوه پخش و توزیع نشریه کار دیده آمد، مده بود و نشریه نمیتوانست بموقع در اختیار رفقای هوادار قرار گیرد، از شماره آینده "کار" هر هفته روز چهارشنبه منتشر خواهد شد.

**نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا
و پایگاه داخلش**

۸۸۰۰۵۵۹

۱۹ اسفند سالروز انتشار نشریه کار



در میان اعضاء هیئت تحریریه حتی بکنفران کمپانی که امروز بنا می‌کنند و کثرتی های جناح راست معروف هستند وجود نداشت و مسئولیت انتشار نشریه را با سرعهده رفقای ما یکی از رفقای جناح اکثریت قرار داشت.

سرمقاله اولین شماره "کار" که توسط رفقای اقلیت نوشته شد، خطوط کلی، جهت، نقش و وظیفه نشریه را بعنوان یک مبلغ، مروج و سازمانده جمعی توضیح میداد. در سرمقاله با توجه به تجربه‌های جنبش کمونیستی جهانی و رهنمودهای لنین کبیر بر نقش افشاگریهای سیاسی که بحق میتوان نشریه "کار" را در این زمینه نمونه موفق دانست تا کینده نوشته شده بود که "خلاصه با یکبار افشای گریه‌های سیاسی را دنبال کرده این نشریه سعی دارد مسائل روز را با کارگران و همه زحمتکشان در میان بگذارد. زورگوشی سرما به دارا است شما رگروما مورخا طلت کارخانه را افشا کند".

در سرمقاله بر نقش دوران ساز طبقه کارگر و وظیفه‌های که نشریه باید در زمینه شکل و آگاهی این طبقه بیاورد کند تا کینده بود از همان آغاز خط موزمان خط مشی انقلابی در زمینه نقش و رسالت طبقه کارگر، در برابری جناح اپورتونیستی که در حال شکل گیری بود، با این جملات ترسیم شده بود "طبقه کارگر که انقلابی ترین و مترقی ترین طبقه است، تنها نیروی است که می‌تواند در جهت منافع خلق مبارزه را بدون عقب‌گرد، بدون سازش و قاطعیت هر چه تمام‌تر پیش برد و خلق را تا پیروزی نهایی رهبری کند." نشریه کار که از همان آغاز بنامینده خط و مشی انقلابی سازمان در بر خورد به مسائل اساسی از جمله حاکمیت بود در برابر فرصت طلبان کمیته مرکزی که چکیده سازشکاری شان، در نامه سرگشته اولین کارگران منجلی شد، در همان اولین شماره در سرمقاله چنین برخورد کرد. "رفقای کارگر! هر چند که تا بحال خلق ما در مبارزات خود به پیروزیهای دست یافته و رژیم سلطنتی را سرنگون کرده است، اما هنوز خیلی چیزها باقی نمانده است. ارتش ضد خلقی هنوز کاملاً از بین نرفته و سرمایه داران خارجی همچنان کنتراول اقتصاد کشور را در دست دارند. کارفرما همان کارفرمای قبلی است. یعنی همان سرما به دارانی که شریک سرما به داران خارجی هستند. استعمار هنوز هم ادامه دارد. شوراها و کارگرهای ارتش خلقی هنوز بوجود دنیا آمده است. سندیگای های فرمایشی و قوانین ضد کارگری تغییر نیکرده و سیستم پلیسی همچنان بر کارخانه ها حاکم فرماست و مدها نمونه دیگر، بهر حال نشریه منتشر شود را ندک زمانی توانست جای خود را در میان توده‌ها باز کند. افشای گریه‌های "کار" زبانه زده شد. ایده‌های تبلیغی آن وسیعاً در میان توده‌ها رفت "کار" و رهنمودهای آن بعنوان یک سازمانده صورت گرفت. کارگران از "کار" استقبال کردند. مسائل خود را با کار در میان گذاشتند. اخبار و گزارشهای کارخانه‌ها را مرتب برای نشریه فرستادند. بنحوی که اخبار و گزارشهای کارگری "کار" در ایران کم‌نظیر بود. "کار" نقش خود را بعنوان نشریه‌ای که وظایف آن در سرمقاله اولین شماره تعیین شده بود، به‌ساز می‌یافت. لزوم تقویت هیئت تحریریه پیش از پیش احساس می‌شد. رفقای جدیدی به هیئت تحریریه پیوسته و با گذشت هر روز اختلاف مواضع کمیته مرکزی و هیئت تحریریه کار بیشتر می‌شد. توریته‌ای که "کار" در سطح جنبش بدست آورده بود و اختلاف مواضع آن با مواضع اپورتونیستی در دل سازشکاران کمیته مرکزی همراست

شدن، به تخفیف مبارزه و نیز به تضعیف آگاهی انقلابی خلق، خلقی که برای آزادی به مبارزه‌ای بی‌امان دست زده است و می‌داند در هر صفحه نشریه آنها، در هر موضع گیری و تحلیلشان میتوان این سازشکاری و خیانتت پیشگی را ملاحظه کرد. آنها عملاً از سرما به داران دفاع می‌کنند، در کارخانه‌ها در کنار سرما به داران رگسزان موضع می‌گیرند و در مقابلشان کارگران را بتولید بیشتر و مزد کمتر شویب می‌کنند. آیا کسی که بکارگران می‌آموزد که اگر سرما به داران تولید را افزایش میدهند، آنها به خود خیانت می‌کنند جز دفاع از بیگانه از سرما به داری چه چیزی را تبلیغ می‌کند؟ کسی که در نوشته‌های خود ارتش و پاسداران ضد خلقی را تقدیس می‌کند، کسی که فرمان‌های آیت‌الله خمینی که در حقیقت فرمان انضباط کورگوران در ارتش، فرمان بازاری و استحکام هر چه بیشتر این ارگان ضد خلقی، و صلح سلاح توده‌ها را به می‌تاریخی می‌خواند و بر آن مهرها می‌زند، جز خدمتگزار به امپریالیسم چه می‌کند؟ مکررتش این ارگان استمگری، در خدمت امپریالیست‌ها بوده و نیست؟ مگر خود این آقا یان زمانی که هنوز کوس رسوایی شان بر سر هر کوی و برزن زده نشده بود، ترا بازاری در دست امپریالیسم و سرما به داران نمی‌داشتند! اینجا دیگر صحبت بر سر حاکمیت نیست، بورژوازی با خرده بورژوازی نیست، دفاع آقا یان از آقا یان از ایستگاه ارگان بی‌غایت ضد خلقی و وابسته است. این دیگر دفاع آشکار از امپریالیسم و گام عملی در جهت خدمت به امپریالیسم و سیاستهای است. البته کسی که سیاست روزمره شان این است که هنگام حمله چماق بدستان وابسته به حزب جمهوری اسلامی عملاً در کنار آنها به نیروهای انقلابی حمله می‌کنند، کسانی که شعار اساسی شان "الله اکبر، خصی رهبر" است، کسانی که از سرکوب خلق و سلب حقوق دمکراتیک و آزادیهای سیاسی توده‌ها توسط رژیم جمهوری اسلامی حمایت می‌کنند، کسانی که به طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش خیانت کرده‌اند، باید در نشریه خود نیز این شیوه‌ها را تبلیغ کنند و خیانت خود را به خلق نشان دهند، اما توده‌ها بهمان اندازه برای این روزی نامه ارزش قائلند که برای روزنامه حزب جمهوری اسلامی، "کار" از نظر توده‌ها دارای خصوصیات دیگریست. "کار" در خط انقلاب، در خدمت طبقه کارگر و همه زحمتکشان، در خط مبارزه با سرما به داران امپریالیسم و با یک نگاه کلی آن در خط دفاع از مبارزه عادلانه خلقها، در خط آگاهی دادن و نه تخمین توده‌هاست. این است دلیل اینکه چرا اگر کسی سازشکاری روخیا نت پیشه بر نشریه خود نام "کار" هم بگذارد، توده‌ها، پیشری برای آن ارزش قائل نیستند. بهر حال تلاش ما پس از طرف اپورتونیسم این بوده و هست که نشریه "کار" را به همان وظایفی که در سرمقاله اولین شماره توضیح داده بودیم منتشر سازیم. ما باید اعتراف کنیم که بعلمت دشواری‌ها و وظایف سنگینی که ما زمان در چند ماه گذشته با آن روبرو بوده‌است عملاً نتوانسته‌ایم آنچنان که لازم است نشریه "کار" را بعنوان یک مبلغ مروج و سازمانده جمعی در اختیار هواداران و توده‌های مردم قرار دهیم هنوز اشکالات فراوانی در زمینه این وظایف نشریه وجود دارد و تلاش ما اینست که این نقائص را بویژه با با این نقائص برنا مه حد اقلی که ما زمان در چند شماره قبیل طرح ترا در سطح جنبش اعلام نمود، بر طرف سازیم. زیرا از یک سو اکنون انرژی تشکیلات بر روی تحلیل اوضاع کنونی و وظایف ما رگسیست - لنینیست‌ها متمرکز گشته و از سوی دیگر هنوز بدستی و وظیفه "کار" و "نبرد خلق" از یکدیگر متمایز نگشته است. در اینجا بجاست بمناسبت سرآغاز سومین سال

نگاهی به اوضاع سیاسی و حرکت اخیر لیبرالها

بقیه از صفحه ۱

آمریکا و نه‌را بسودجیمی کار ترسنگین کرده و با لستیمه از موضع قدرت امتیازات فراوانی از جمله پول و سلاح را در ازای آن دریافت خواهد کرد و از سوی دیگر لیبرالها را از نظر سیاسی از یزوله کرده و موقعیت خود را در دستگاه دولتی و در میان توده‌ها استحکام خواهد بخشید.

"حزب" علیرغم تبلیغات ظاهری مبنی بر جدا بودن مساله گروگانها از مساله جنگ، در این اندیشه بود که با امتیازاتی که در ازای آزادی گروگانها بدست می‌آورد، قادی باقی نقیض تعیین کننده در جنگ بوده و از موضع قدرت عراق را وادار به عقب نشینی خواهد کرد. اما اوضاع روال دیگری بنمود و تجربه نشان داد که حسابهای حزب غلبت از آب درآمد. علاوه بر آنکه گروگانها بطرز مفتضحانه‌ای آزاد شدند، و این امر آشکارا پشت رهبران حزب را در برابر توده‌ها گشود و تضا های درونی حزب را از پرده بیرون انداخت. هیچ تغییری نیز در مسئله جنگ و تغییر موازنه قوا در جنبه‌های جنگ ایجاد نکرد و از نظر سیاسی - تبلیغی زمینه‌های جدیدی برای لیبرالها فراهم کرد. حملات و پیروزیهای بزرگ نظامی، از حد تبلیغات دروغین و اخبار عمومی غیر حقیقی فراتر رفت. ادامه جنگ، عوارض ناشی از آن، تشدید بحران اقتصادی، موجب وج گیری نارضایتی توده‌ها شد. از این پس مسئله جنگ‌گاز مرکز تبلیغات و سخنرانی لیبرالها و رهبران حزب جمهوری اسلامی، خارج و عملاً به موضوع درجه دوم تنزل یافت. قفادهای دو جناح شدت گرفت و موضوع جنگ بتدریج و بطور کامل تحت اشاع مبارزه میان آنان قرار گرفت.

تا توانی هر دو جناح در پیشبرد رهبری جنگ و رقابت آیند که هیچ فرصتی را برای حمله، طرد و یا بیرون کردن یکدیگر فراموش نکرده و نمی‌کنند و نیز ضرورت تمرکز قوای مسلح رژیم جهت گسترش سرکوب خلق کرد و سایر مبارزات توده‌ای از جمله عملی هستند که هر دو جناح را با این نتیجه رسانده است که با پدیده مذاکره و سازش با حکومت عراق را در پیش گیرند! کافیس اداکی روی سیاست ما تان آن دقت کنیم تا متوجه شویم که خط مذاکره و سازش با عراق، جریان نیرومندی است که در بر خورد های پشت پرده هر دو جناح، شکل غالب عمل می‌کند. سفرها و مذاکرات اولف پالعه فرستاده سازمان ملل و ضیاء الحق رئیس جمهور مرتجع پاکستان با رئیس جمهور نخست وزیر، تسلیم بهی راجا تی توسط فرستاده ویژه وی، به‌شاهزاده ولیعهد عربستان این دست نشاند و مزدور امپریالیسم آمریکا... سرانجام مذاکرات و تبلیگان "کنفرانس اسلامی" طائف با اعطای شوری عالی دفاع همه‌همه موید این نظر است که هم لیبرالها و هم جناح ح - حزب جمهوری و دولت راجا تی علیرغم‌های - هوی تبلیغاتی در باره نفعی هرگونه مذاکره تا پیش از زبیرون رفتن ارتش عراق، در پی تدارک و جستجو برای یافتن راه‌های سازش و مصالحه با عراق اند.

البته مصالحه و سازش با عراق، در قاموس هر یک از دو جناح، تابع اصل مهمتر و کلی‌تری است در این زمینه طرحها و برنامهای آنان در گسترش با سخگوشی با این سؤال تنظیم می‌گردد که هر نوع سازش و مصالحه بر پایه چیست ابکار عمل! و رهبری کدامیک و در نهایت منجر به تقویت مواضع کدام جناح منجر خواهد شد؟ بنا بر این محافل حاکمه ایزیکو در این اندیشه اند که چگونه بوسیله تبلیغات سیاسی و ایجاد

بقیه در صفحه ۱۷

استقلال - کار - مسکن - آزادی

در خدمت مدیران میدانند، مصمم هستند هر چه زودتر شورای واقعی کارگری را تشکیل دهند تا از تدوین و اجرایی قوانین ضد کارگری جلوگیری نمایند. * در نیمه اول بهمن ماه، کارگر زحمتکشی در اثر برق گرفتگی درگذشت کارگران که از مرگ همکارشان بشدت خشمگین هستند خواهستار رسیدگی بسه جریان واقعه میباشند و مدیریت را مسئول مرگ این کارگر میدانند.

چند خبر: از ماشین سازی اراک.

* اتحاد دوماهه کارگران، مدیر انتصابی را برکنار میکنند.

در تاریخ ۲۵/۱۰ مدیریت اداری "سرمد" را بعنوان مدیر خدمات فنی منصوب کرده و او را مدیری شایسته، متخصص و مکتبی! معرفی مینماید. کارگران قسمت نصب و تعمیرات که از سوابق وابستگی نامبرده به رژیم شاه و اعمال ضد کارگری او بخوبی اطلاع داشتهاند، ضمن افشای این مدیر متخصص و مکتبی با نوشتن طوماری خواهان برکناری او میشوند. مدیریت در بند او مره خواسته کارگران اهمیتی نمیدهد ولی وقتی با پافشاری والتیما توم کارگران مبنی بر اعتصاب روبرو میشود تسلیم شده و "سرمد" استعفا میدهد؟!!

کارگران که به ما هیت رژیم جمهوری اسلامی پی برده اند میگویند: "برای ما واضح است که او را بسه سازمان گسترش میفرستند و بسه بهتری نیز بسه او میدهند همطور که تاکنون بارها این عمل انجام شده است و ولی با ید تمام افراد ضد کارگرو حامی سرما یه داری را در سازمان گسترش افشاء و اخراج کرد."

* بعد از تصمیم کمیسیون پاکسازی سازمان گسترش مبنی بر بازگشت بکار ساواکیها و صدور حکم برای آنها که بسه تصویب نماینده "امام" در این شهر نیز رسیده است، مدیریت بسه آنها میگوید که من ما یلم شما برگردید ولی در صورت بازگشت شما کارگران مرا نیز اخراج خواهند کرد.

مدیریت، انجمن اسلامی وساواکیها که بهر نحو میخواهند اینکار انجام گیرد با استفاده از نفوذی که شورای اول در بین کارگران دارد شایع میکنند که شورای اول با بازگشت ساواکیها بکار موافق است.

شورای اول ضمن صدور اطلاعیه ای، هرگونه اظهار نظر و تصمیم گیری در این مورد را رد میکند. بدین ترتیب کارگران تاکنون با هوشیاری و اتحاد خود زور و ساواکیها و عنا صر خود فروخته و ضد کارگر به کارخانه جلوگیری کرده اند. * طرح طبقه بندی مشاغل که توسط هیئت اعزامی سازمان گسترش و بقیه در صفحه ۴



جنبش کارگری

موقت شش ماهه به شرکت واحد فرستاده بودند. تقریباً از یکماه پیش، مدت کار آنها در شرکت واحد پایان یافته و آنها برای بازگشت به برق، مرتباً به مدیر عامل مراجعه میکردند ولی اوتاکنون از بازگرداندن آنها خودداری کرده است. هفته پیش رانندگان زحمتکش مجدداً به مدیر عامل مراجعه میکنند ولی او با بیشرمی تمام میگوید: تا وقتی من در اینجا هستم شما باید در شرکت واحد کار کنید. رانندگان میگویند: "ما در برق استخدام شده ایم نه در واحد، اگر میخواهستیم، در واحد استخدام شده بودیم". مدیر عامل میگوید: "شما ضد انقلابید!". رانندگان زحمتکش که مدتهاست در بلاتکلیفی بسر میبرند آنچنان از این حرف بخشم می آیند که او را بشدت کتک میزنند. ما هیت ضد کارگری مدیر عامل موجب شده است تا کارگران با ابراز خوشحالی و نقیسل فوری خبر بیکدیگر از حرکت رانندگان پشتیبانی کنند. اما رانندگان زحمتکش با ید بدانند که تنها با ادا مه مبارزه و حفظ اتحاد خویش در یک شورای انقلابی خواهند توانست بسر کار بازگردند.

* شورای فرمایشی "برق فارابی" در نیمه اول بهمن ماه برای بررسی ایجاد دادگاه اداری تشکیل جلسه میدهد. در این جلسه قانون دادگاه اداری رژیم شاه به تصویب میرسد و برای اجرا ابلاغ میگردد! اعضا دادگاه از ۴ مدیر انتصابی از طرف مدیر عامل و یک عضو شورای فرمایشی تشکیل شده است. کارگران که شورای فرمایشی را

تشکیل شورای واقعی، پیروزی کارگران برق واگنها.

کارگران قسمت برق واگنها بسه هوشیاری انقلابی، توطئه تفرقه افکنانه انجمن اسلامی را خنثی کرده و توانستند با موفقیت دومین دوره انتخابات شورای واقعی خود را بسه انجام رسانند.

بعلت پایان گرفتن مدت فعالیت یک ساله شورا، کارگران فعالانه بتدارک انتخابات مجدد پرداختند. آنها ضمن بحث و تبادل نظر، با استفاده از تجربیات پربار گذشته میکوشیدند صدیق ترین و آگاه ترین و فعال ترین کارگران را برای نمایندگی شورا کاندید کنند.

رئیس قسمت تهویه (عضو انجمن اسلامی) که در دوره های قبلی نماینده شورا بود ولی از طرف کارگران از شورا اخراج شده بود میکوشید جریانی از انتخابات را به مجرای انحرافی بیندازد تا مبرده با طرح انتخاب یک نماینده برای هر ۱۵ نفر، سعی میکرد عوامل انجمن اسلامی را بسه شورا بفرستد. کارگران که از این عمل تفرقه افکنانه بشدت خشمگین شده بودند در جلسه انتخابات او را بخوبی افشاء کرده و از توطئه اش پرده برداشتند و با نندازی انجمن اسلامی را محکوم کردند.

در جلسه انتخابات کارگران یکپارچه تاکید کردند که: "در اینجا کسی ب فکر نمایندگی نباشد که کارگران بشدت با آنها مقابله خواهند کرد."

پس از رای گیری، سه نماینده از دوره قبل و دو نماینده جدید انتخاب شدند.

کارگران آگاه و مبارز راه آهن بار دیگر هوشیاری خود را در حفظ شورای واقعی کارگری و خنثی کردن توطئه های تفرقه افکنانه و بنامندبا زیه نشان دادند و انتخابات را با پیروزی خود به انجام رسانند.

کارگران مبارز برق واگنها که در طی دو سال اخیر بیش از چند بار دست به تشکیل شورا زده اند تا آنکه سرانجام موفق به تشکیل شورای واقعی خود شده اند و بدین وسیله درک صحیح خود را از ضرورت شورای واقعی به اثبات رسانند، اکنون با ید با در اختیار گذاشتن تجربیات پربار خود در خدمت کارگران سا بر قسمت ها کوشش میکنند تا با شرکت فعال در شورای مرکزی، آنرا هر چه بیشتر در جهت حفظ منافع کارگران سوق دهند.

چند خبر از برق "فارابی"

* حدود شش ماه پیش، ۳۵ نفر از رانندگان "برق فارابی" را برای کار

باید با استخدام کارگران بیکار بساط "اضافه کار اجباری" در کارخانه ها برچیده شود

جنبش کارگری

چند خبره

از ماشین سازی اراک

وزارت صنایع، به کارخانه ارائه شده است با مخالفت شدید کارگران روبرو گردیده است. کارگران طرح مذکور را "آریامهری" دانسته و با صدور قطعنامه ای خواهان اجرای طرح پیشنهادی خود می باشند.

تعطیل کارگاه،

توطئه سرمایه داران

کارگران شرکت پارس ساختمان در برابر توطئه تعطیل کارگاه مقاومت میکنند. شرکت پارس ساختمان یک شرکت ساختمانی و تاسیساتی است که از سال ۵۶ در پالایشگاه اصفهان در قسمت انبار نفت گلدشت تاسیس شده است. این شرکت پیمانکار دست دوم شرکت اسدم (فرانسوی) است که به شرکت نفت قرارداد دارد. شرکت پارس ساختمان متعلق به شرکت مهگ بندر عباس است که سهامداران آن نیز عبارتند از بنیاد مستضعفین ۵۱٪ و کارمان نصر ۴۹٪ و زودوشنه ۱۱/۲۰٪ از طرف دفتر نظارت شرکت نفت نامتهای به شرکت اسدم و از آنجا به شرکت پارس ساختمان فرستاده میشود که "چگونگی ادامه کار موجب خسارت است و... کارگاه را تعطیل کرده و با کارگران تسویه حساب کنید و... کارگران که از مدت ها قبل از کار شکنی های کارفرمایان مطلع بودند با حمایت یکپارچه از شورای واقعی خود در برابر این توطئه مقاومت کرده و آنرا نمی پذیرند و ضمن شکایت به وزارت کار میگویند کارگاه را باز نگه داشته و از بیکاری کارگران جلوگیری کنند. کارگران میگویند چون کارفرما ۸۰٪ هزینه انجام کار را دریافت کرده و تنها ۶۱٪ کار را انجام داده است لذا به نفع اوست که بقیه کار را انجام ندهد و کارخانه را تعطیل کند. آخرین خیرحاکمی از آنست که کارگران مصمم اند دستور شورای خود همچنان بکار ادامه دهند.

کمیته تخصصی کارکنان جنگ زده مستقر در اداره دوم مورد تأیید نفتگران نیست

کمیته تخصصی که در واقع زلفیه

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

شورای واقعی،
خواست کارگران عمران تکلار

کارگران شرکت عمران تکلار با اجتماع در مقابل دفتر شرکت خواستار تشکیل شورای واقعی کارگری شدند. شرکت ساختمانی عمران تکلار تهران واقع در شهرک غرب در سال ۵۲-۵۳ تاسیس شده و وابسته به کشور یونان بود که پس از قیام در اختیار بنیاد مستضعفین قرار گرفته است. این شرکت دارای بیش از هزار نفر کارگر است که همگی بغیر از فورمن ها و سرکارگرها روزانه معادل ۱۶۳۵ ریالی ۲۳۵ ریال دستمزد میگیرند و ساعات کار آنها از ۷ صبح الی ۴/۵ بعد از ظهر است و در روزهای تعطیل نیز بکار مشغولند. کارگران زحمتکش تکلار که از کلیه حقوق و امکانات محروم هستند بدرستی دریافتها نکرده و تنها با داشتن شورای واقعی کارگری قادر خواهند بود به خواسته های برحق خویش دست یابند. بدین جهت کارگران صبح روز سه شنبه ۱۶/۱۰/۵۹ در مقابل دفتر تشکیل اجتماع کرده و خواهان تشکیل شورا میشوند. مهندس "نیک نفس" سرپرست شرکت کوشش میکند ابتدا با فریب و چرب زبانی و سپس با تهدید کارگران را از تشکیل شورا منصرف کند ولی کارگران ضمن طرح خواسته هایشان از قبیل کفش، لباس حقوق ماهانه و پاداش، بیمه و... همچنان بر تشکیل شورا پافشاری میکنند و سرانجام موفق میشوند که نمایندگان را انتخاب کرده و شورا را تشکیل دهند. کارگران اکنون در انتظارند تا شورا برای کسب حقوق حقه آنان اقدامات فوری و جدی بعمل آورد.

پیش بسوی تشکیل شورای

سراسری توانیر

مدیریت توانیر که همانند سایر مدیران اعم از دولتی و خصوصی دشمن شورای واقعی کارکنان است، از هر وسیله ای برای انحلال شوراهای واقعی نیروگاهها استفاده میکند. در ماه گذشته نیز با همدستی پنهانی انجمن اسلامی اطلاعیه ای خطاب به شورای تدارکات صادر میکند که: "در توانیر چه خبر است؟ کارگرایان رسیده است که شورای تدارکات یا پیدانجمن اسلامی را به رسمیت بشناسند؟ و...". شورای تدارکات که منظور اصلی مدیریت را از این اطلاعیه فهمیده بود، انجمن اسلامی را به یک مجمع عمومی با حضور تمام کارکنان نیروگاه دعوت می کند تا به سئوالات کارکنان

اصلی کارگرایان برای کارکنان جنگ زده را بعهده دارد در عمل نشان داده است که فاقد صلاحیت لازم برای این کار است. این کمیته نتوانسته است تا شید کارکنان جنگ زده در تهران، و شورای پالایشگاه تهران، همینطور "شورای سراسری کارکنان جنگ زده در تهران، و شورای

صنعت نفت آبادان و "خونین شهر" را بدست آورد. کمیته مذکور اخیراً تصمیم گرفته است گروههایی را جهت کار به پالایشگاه تهران اعزام دارد. از آنجا که در میان افراد گروه اول که تعداد آنها ۲۲ نفر است اکثر افرادی وجود دارند که از گردید به بهر میباشند از حقوقهای بالائی برخوردارند، کار کمیته مورد اعتراض شدید کارکنان قرار گرفته است. شورا های پالایشگاه تهران در اطلاعیه مورخ ۲۴/۱۰/۵۹ در این باره مینویسد: پس از تحقیقات بسیار به این نتیجه رسیده ایم که کمیته تخصصی کارکنان جنگ زده مستقر در اداره دوم مورد تأیید کارکنان جنگ زده در تهران و شورا های نامتبع آنها در پالایشگاه تهران از طرف کمیته مزبور مورد قبول ما نیست.

البته شورا های پالایشگاه تهران در پایان همین اطلاعیه به سازش با مدیریت پالایشگاه کشیده شده اند، سارشی که نمیتواند مورد قبول کارکنان باشد. همینطور "شورای سراسری کارکنان جنگ زده صنعت نفت آبادان و خونین شهر" در اطلاعیه مورخ ۳۰/۹/۵۹ خود ماده ۳ چنین مینویسد: "چگونگی وضعیت آینده کارکنان روشن نیست، ما فقط در صورتی اقدامات کمیسیون بررسی و تخصص نیروی انسانی را قبول داریم که برای تمام کارکنان جنگ زده کارگرایان شود و این تضمین رسماً بمانداده شود."

اما کمیته تخصصی با اولین اقدام خود نشان داد که نمیخواهد بشکلی عمل نماید که منافع کارگران و زحمتکشان این صنعت که در جنگ خسارات فراوانی دیده اند تا مین شود بلکه عمل او در جهت تأمین منافع هر چه بیشتر کسانی است که در حال حاضر نیز بعلت بلای بودن رتبه شغلی، حقوق کافی دریافت میکنند.

از اینرو لازم است که:

۱- شوراهای هر قسمت بر امیر تخصصی کارکنان، کنترل و نظارت کامل داشته باشند.

۲- تخصیص کارکنان جنگ زده از سوی شوراهای پالایشگاهها، شورای مرکزی بخش و شورای مرکزی خطوط لوله و مخازن و شورای سراسری کارکنان جنگ زده... عملی گردد.

۳- حق تقدم با افرادی باشد که از پائین ترین حقوق برخوردار بوده و رتبه شغلی بالائی ندارند.

برای مقابله با توطئه های سرمایه داران (اخراج - تعطیل کارخانه و...)

هیئت تحقیق کارگری برپا داریم

از:

اعلامیه‌ها، تراکت‌ها و نشریات کارگران پیشرو

تبریز

کفاشان پیشرو تبریز در تراکتی ضمن برشمردن خواسته‌های کفاشان، از سندیکا ی خود خواسته اند که اگر کسی خواهی برای این زحمتکشان کاری انجام دهد با یی در راه تحقق این خواسته‌ها مبارزه کند. در بخشهایی از این تراکت آمده است:

"برادران کفاش ما در حال حاضر با کمبود نا یا بی مواد اولیه ز قبیل بنزین و چسب و سی‌یو... روبرو هستیم علاوه بر اینها... با زارسیاه و احتکار هر روز بر قیمت‌ها می‌افزایند. ما می‌گوئیم: دولت باید با تشکیل شرکت تعاونی و توزیع مواد اولیه کفاشان از کمپانی و احتکار روگرانی جلوگیری کند. دولت باید با دادن وام کم‌بهره "همچنانکه به سرمایه‌داران می‌دهد" و بیمه را یگان وضع کفاشان زحمتکش را بهبود بخشد."

رشت

تجمع مدیران دولتی کارخانجات رشت یکبار دیگر ماهیت ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی را آشکار کرد.

نقل از اعلامیه کارگران پیشرو رشت:

در روز سه‌شنبه ۱۱ بهمن ماه جلسه‌ای با شرکت کلیه مدیران کارخانجات دولتی در استان رشت تشکیل شد. دستور جلسه را بررسی کمبود قطعات یدکی و مواد اولیه قرارداد بود. ولی تنها چیزی که در باره اش صحبت نشد همین موضوع بود و بجای آن عوامل خود فروخته جمهوری اسلامی سرمایه‌دار و بصیری مدیرعامل پارس نیت، آزامی مدیرعامل قومنا، و طباطبائی مدیرعامل پوشش اقدام به طراحتی توطئه‌ای علیه کارگران و زحمتکشان انقلابی مینمایند و حاصل توطئه خود را بصورت قطعنامه‌ای بشرح زیر صادر می‌کنند.

۱ - سود ویژه به هیچ عنوان بیش از مبلغ تعیین شده بوسیله دولت پرداخت نشود و هر کسی این ماده را قرض کند تحت تعقیب دادستان انقلاب قرار خواهد گرفت.

۲ - از طبقه بندی مشاغل تا اعلام طرح طبقه بندی سراسری از طرف دولت تا ملا جلوگیری شود.

۳ - اضافه حقوق به هیچ عنوان پرداخت نشود.

۴ - هر نوع حرکت و تشنج کارگری بوسیله بسیج و سپاه شدیداً سرکوب شود.

۵ - کمیته اتحادشورها که جدیداً شروع به فعالیت کرده و اعلامیه‌ها پیش در سطح وسیعی پخش می‌شود شنا سائی و شدیداً سرکوب شود.

۶ - شدیداً وقایعانه از انتخابات شورا های کارگری که این روزها مجدداً بوسیله کارگران صورت می‌گیرد جلوگیری شود.

موارد بالا مشتاقی است از نمونه‌های سربردگی این عوامل خود فروخته سرمایه‌داران زالوصفت. کارگران انقلابی و مبارزان کافست اندکی به متن قطعنامه دقت کنید تا بدانید چه کسانی سود ویژه را که بخشی از دسترنجشان است می‌خواهند؟

کارگران و زحمتکشان

چه کسانی در دادستانی بمحاكمه کشیده میشوند؟

کارگران و زحمتکشان

چه کسانی می‌خواهند برای دستیابی به ابتدائی‌ترین حقوق خود شورا بر پا کنند؟

کارگران و زحمتکشان

چه کسانی آنها را سرکوب میکنند؟

جمهوری اسلامی سرمایه‌داران

چه کسانی آنها را غارت میکنند؟

جمهوری اسلامی سرمایه‌داران

چه کسانی مانع برپائی شورا های واقعی کارگرانند؟

جمهوری اسلامی سرمایه‌داران

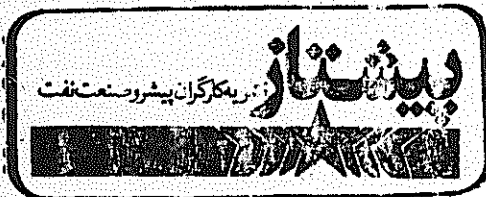
آیا با چنین رسوائی ننگینی باز هم سردمداران جمهوری اسلامی خود را حامیان کارگران و زحمتکشان میدانند؟

کارگران و زحمتکشان انقلابی! با اتحاد و همبستگی خود توطئه‌های غارتگرانه جمهوری اسلامی را رسوا و درهم بکوبیم.

تهران

کارگران پیشرو صنایع دفاع در تراکتی با زکشت افسران سرسپرده اخراجی را به سرکار خدمت به امپریالیسم و خیانت به

توده‌ها دانسته و در بخشی از آن گفته اند: "کمیسیون تجدیدنظر وزارت دفاع اخیراً حکم با زکشت به کار ۱۳ تن از افسران سرسپرده اخراجی را صادر کرده است. این عده عبارتند از سرهنگ طیاریان، شهسواری، شعبی، عامریان، نیگلریگی قربانی، بصیری، چمنی و... با زگردانن افسرانی نظیر سرهنگ طیاریان که ۲۰ سال تمام در دستگاره‌ها اطلاعات یا رویاوار "سازمان سیا" آمریکا بوده و تمام رگ و پپی اش به آمریکا وابسته است، افسرانی نظیر سرهنگ شهسواری که به شهسادت پیرونده‌های فساد اخلاقی اش مایه تنگ بشریت اند جز خدمت به امپریالیسم و خیانت به توده‌ها معنی دیگری ندارد."



دوره جدید شماره ۱ بهمن ۱۳۵۹

دوره جدید پیشواز نشریه کارگران پیشرو صنعت نفت در بهمن ماه انتشار یافت. این نشریه که پس از مدتی پخش اعلامیه‌ها و تراکت‌های نفتگران پیشرو اکنون به این حد ارتقاء یافته است، ارگانی است که طلیعه‌های بسیج و هدایت سراسری مبارزات نفتگران ایران به خوبی در آن می‌درخشد. ما ضمن آرزوی موفقیت برای کارگران پیشرو صنعت نفت بخشهایی از یک خبر آنرا در زیر نقل می‌کنیم. در این خبر که به اعتراض نفتگران اداره حراست تا سیاست‌ری و پالایشگاه تهران به ریاست "حاجی درویش" مربوط می‌شود آمده است که: "کارکنان حراست انبار نفت ری و پالایشگاه تهران مشترکاً طی اطلاعیهای مخالفت خود را با ریاست حاجی درویش رئیس که از طرف انجمن اسلامی بسر کارکنان این اداره تحصیل شده، اعلام داشته‌اند. آنها در اطلاعیه خود مسمی نویسنده: مدت ۴ ماه است که آقای حاجی درویش، رئیس حراست پالایشگاه تهران شده، تمام همکاران ما از دستش بیستوه آمده‌اند."

نشریه پیشواز پس از افشاکری در مورد سوابق "حاجی درویش" از جمله اینکه:

"موقع انتخابات ریاست جمهوری برای ریاست جمهوری جناب تیمسار مدنی تبلیغ می‌کرد و کتابی از حضرت تیمسار را در پارکینگ بقیه در صفحه ۶

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیشواز مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران

از: اعلامیه‌ها، تراکت‌ها و نشریات کارگران پیشرو

بقیه از صفحه ۵

کارخانه تولید ارو

در اعلامیه‌ای تحت عنوان "با انتخاب نمایندگان واقعی خود از انحلال شرکت تکنو صنایع (یکی از موسسات این واحد) جلوگیری کنیم، کارگران پیشرو گفته‌اند: "به گفته هیئت مدیره دولتی چون شرکت تکنو صنایع در سال گذشته ضرر دهانه بنا بر این باید منحل شود. هیئت مدیره گفته علت ورشکستگی شرکت کم‌کاری کارگران و با نبودن هزینه آنهاست. شورا هم موقعیت جنگی و رخنه‌ها در انقلاب را بهانه می‌کند.

اما ما بخوبی میدانیم که مسئول انحلال شرکت آنوری‌ها، معینی‌ها و تمام کسانی هستند که پادشاه و پسران او را می‌کشدند. ما می‌دانیم که کارگران در کارخانه‌ها می‌کنند و آخر هم هشت‌شان گرونی‌شان است. در پایان اعلامیه آمده است که: "برای جلوگیری از انحلال شرکت تکنو صنایع و حمایت از دوستان کارگر خود برای گرفتن سود ویژه که قسمتی از دستمزدهای مسلم ما است و برای رسیدن به کلیه خواسته‌های خود نمایندگان واقعی خود را انتخاب کنیم."

خنبری از مهمات سازی

شورای داورى کارخانه‌جات مهمات‌سازی به داورى نشسته و یکی از کارگران را بعلت درگیری با نظام دهنده (استادکارخانه) ۲۰۰ تومان جریمه نمود. شورا این شاهکار خود را طی بخشنامه‌ای به اطلاع کارگران

پالایشگاه برای تبلیغ به کارکنان می‌داد یا "اگر قبلاً در پروسه کار می‌کرد بعلت فرار از زیر بار کار به بی‌فعالیت در انجمن اسلامی از قسمت پروسه بیرون رانده شد."

در رهنمودیه نفتگران گفته است: "بنا بر این شورای حراست وظیفه دارد که او را اخراج نموده یا تمامی اعمال او را تحت کنترل خود در آورد. در عین حال همکاران ما در پالایشگاه با بستن به این شگرد انجمن اسلامی که سعی می‌کند روسای تحمیلی از جانب خود بر قسمت‌های مختلف بگمارد توجه کافی داشته باشند. و اصل کلی کنترل مدیریت از طریق شوراها را در همه جا عملی سازند."

کارخانه ایران والنو

کارگران پیشرو این کارخانه در اعلامیه‌ای تحت عنوان "شورای واقعی را تشکیل دهیم" گفته‌اند:

"ما روزها چاره‌ای نداریم جز اینکه دست در دست هم داده با اتحاد خود در شوراها و واقعی متشکل شویم."

"شورایی تشکیل دهیم که مدافع حقوق ما باشد و بتواند مشکلات ما را حل نماید: حقوق و مساعده، سود ویژه و سایر حقوق ما را بموقع از کارفرما بگیرد و اجازه ندهد حق سختی کار سه ماهه عقب بیفتد. بر خرید مواد خام، تولید و فروش کارخانه و سایر امور نظارت دقت داشته باشد و تشکیل مرتب مجمع عمومی کارگران را در جریان تمام امور قرار دهد. توطئه‌ها و حقه‌های کارفرما را

را متبطل اخراج کارگران آگاه، های کارفرما را مثل اخراج کارگران آگاه، تهدید به تعطیل کارخانه، ترساندن مواد خام برای ترساندن کارگران، دادن بیلان دروغ در مورد ضروریات کارخانه

ایجاد تفرقه میان کارگران و... را شناخته و راه مقابله با آنها را نشان دهد (مثل شورای قبلی نباشد که در اخراج کارگران با کارفرما همکاری میکرد.)"

رسانده و به آنها توصیه کرده است با اسنادان همکاری نموده و از آنها اطاعت نمایند در غیر این صورت جریمه خواهند شد. در این اطلاعیه، برای خالی نبردن عریضه‌ها اسنادان هم نصیحت شده با کارگران رفتار پندارنده داشته باشند.

ما کارگران از شورای منتخب خود میخواهیم هر چه سریعتر بیلان عملکرد های شورای داورى را در طول دو سال گذشته را به شما اطلاع دهیم که در شورای داورى تاکنون جز تفتیش عقاید و صدور رای به ضرر کارگران چه وظایفی را انجام داده است.

نقل از خبرنامه شماره ۷ کارکنان پیشرو صنایع دفاع

قزوین

کارگران پیشرو قزوین ضمن اعلامیه‌ای در پی ترسیم وضع کنونی کارگران کسبه مبادی و زراتش... ان روبه اعتلاست و نشان دادن عکس‌العملهای رژیم جمهوری اسلامی در مقابل آن است که چیزی جز فریب و سرکوب نبوده است گفته‌اند:

"اکنون برای ما روشن شده است که جامعه در بحران عمیقی فرورفته است و این بحران به کرانی، بیکاری فقر و هلاکت و کمبود رزاق عمومی که ناشی از جامعه سرمایه‌داری است ما می‌زند.

وظیفه کارگران مبارز و انقلابی در شرایط کنونی ایجاد و تقویت شوراها و واقعی کارگریست. حمایت از شوراها و واقعی‌ها من موفقیت‌های بیشتری برای ماست. شوراها و واقعی در شرایط کنونی وظیفه دارند که با مسئولیت هر چه بیشتری

خواست‌های کارگران را مطرح کرده و در جهت بدست آوردن آنها اقدام نمایند. نمایندگان واقعی کارگران باید با برگزاری جلسات عمومی، کارگران را در جریان کلیه مسائل کارخانه قرار دهند و توطئه سرمایه‌داران را برای کارگران افشا نمایند."

اما شیوه فریب کارگران در بعضی از مناطق کارساز می‌شود. در مناطق ۲ و ۴ کارگران به وعده و وعیدهای مدیرعامل ملتن می‌دهند و به ادامه می‌یابند.

کارگران منطقه ۳ مصمم‌اند تا رسیدن به خواسته‌های برحق خود اعتصاب را ادامه دهند. اینبار آقای اعتضادی با همراهی بیش از ۴۰۰ پادار وارد صحنه می‌شود. او فرمان یورش به کارگران را صادر می‌کند. زد و خورد در می‌گیرد. چند تن از زحمتکشان دستگیر می‌شوند. چند نفر از اوپاشان آمده‌اند که توبوس‌ها را بحرکت درآوردند. به این ترتیب سردمداران رژیم جمهوری اسلامی اعتصاب زحمتکشان واحد را سرکوب می‌کنند. اما زحمتکشان واحد از این مبارزه درس بزرگی آموختند آنها ابتدا دریا فتد که تمام دستگاہ‌های تبلیغاتی جمهوری اسلامی بنفع سرمایه‌داران و تجار بازار عمل می‌کنند. آنها پی بردند و جناح حکومت هر کدام به شیوه خود، در مقابل خواسته‌های برحق کارگران دست بسرکوب می‌زنند.

اما زحمتکشان شرکت واحد در مقابل سازماندهی سرکوب رژیم جمهوری اسلامی از هیچگونه سازماندهی مناسب برخوردار نبودند آنها بشکل خودبخودی دست‌بند زدند و هماهنگی لازم بین تمام قسمت‌ها برقرار نبود.

آنها نتوانستند خواسته‌های خود را بنحو گسترده در میان سایر مردم زحمتکش تبلیغ کنند تا هرگونه سوءاستفاده جمهوری اسلامی را از این حرکت خنثی نمایند شوراها در جریان مبارزه ویراننده زحمتکشان واحد نقش فعال و پراکنده خود را ایفاء نکردند. زحمتکشان واحد بیش از هر چیز می‌بایست از طریق شوراها و هماهنگی لازم را در تمام تعمیرگاهها و مناطق شرکت برقرار نموده و

با تشکیل کمیته‌ها اعتصاب مبارزه را به پیش می‌بردند. در حال حاضر زحمتکشان واحد پیش از هر چیز باید دست تبلیغ گسترده خواسته‌های خود در سطح شرکت و در خارج از آن بزنند و از سوی دیگر با اتحاد و یکپارچگی خود به حمایت از شوراها برخیزند و مبارزه را تا رسیدن به خواسته‌های خود ادامه دهند.

سرکوب زحمتکشان...

بقیه از صفحه ۷

همکاری سایر دوستان مکتبی که مشکل از ساواکیها و اوپاشانی که تا قبل از قیام جزو جما قدر را بوقمه‌کشان رژیم شاه بودند ستادش را در مسجد الرسول تشکیل داده است. اعلامیه‌هایی در میان زحمتکشان از طریق این ستاد پخش می‌شود که در آن کارگران را "آمریکائی" "ضدانقلاب" و "ستون پنجم" خطاب می‌کنند کارگران این اعلامیه‌ها را با

خشم و نفرت پاره می‌کنند بدست‌نور اعتضادی دوتابوت پرازماق بعنوان جنازه شهید به همراهی عده‌ای از بسیجی‌ها بین کارگران می‌برند اما کارگران این توطئه را خنثی می‌کنند از سوی دیگر مدیرعامل و دارودسته "متخصص اش" پی در پی به میان کارگران رفته با سخنرانی و فریب کارگران سعی در درهم شکستن مبارزات آنها دارند. بقول کارگری "یکی با شمشیر سزمی برد دیگری با پنبه!"

سرکوب زحمتکشان شرکت واحد بار دیگر جمهوری اسلامی را رسوا کرد

کارگران آمد آوبه التماس افتاده و خواهان برگشت کارگران بر سر کار شد، اما کارگران به او جواب دندان شکنی ندادند، با عدم حضور توبوسهای شرکت واحد، خبرا اعتصاب در شهر پیچید. مردم زحمتکش از اعتصاب حمایت می کردند. عده ای از کارگران کشتارگاه می گفتند: "زنده با دکارگران واحد"

دستگاههای فریب و تحمیق مردم زحمتکش به کار می افتند

ارگانهای تبلیغاتی جمهوری اسلامی، تبلیغات کرکننده خود علیه زحمتکشان را آغاز می کنند و روزنامه ها و رادیو تلویزیون جمهوری اسلامی از قول سردمداران رژیم جمهوری اسلامی می گویند: "عده ای از خدای بی خبر و نوکران شرق و غرب" به آنها اشاره کرده اند. پرداخت پاداش وعیدی آخر سال به ناخیرا افتاده است دست از کار کشیده اند (اطلاعیه شهرداری تهران)، آقای رفسنجان رئیس مجلس در مصاحبه ای می گوید: "اینها تیکه دست به این کار می زنند از هر کس و هر چی باشد حتی عنوان کارگر را به خودشان گرفته باشند که ترحم را جلب کنند، اینها قابل ترحم نیستند و باید شدت تنبیه شوند."

اما زحمتکشان شرکت واحد با خشم و نفرتی سرشار به این یاوه گویی ها برخورد می کنند. یکی از رانندگان نازی آباد می گوید: "اینها می گویند رانندگان نازی آباد آمریکائی هستند، با با آمریکا کجا و نازی آباد کجا، اینها که هر روز با آمریکا مذاکره می کنند آمریکائی نیستند؟" رئیس جمهوری بنی صدر نیز که ایسین روزها سنگ آزادی زحمتکشان را به سینه می زند سکوت کرده است، زیرا بخوبی می داند که در روسته طرفدار او در هیئت مدیره بر احتی قادر به سرکوب زحمتکشان هستند. کارگران دیگر عوا مفریبی های "آزادخواهان" بنی صدر را دریافته اند کارگری میگوید: "بنی صدر رفته توسوراخ موش، کجاست حالا ز ما پشتیبانی کند، اینها باهمند."

اعتصاب زحمتکشان ادامه می یابد، سرکوب آغاز میشود

اعتضای عضو هیئت مدیره
بقیه در صفحه ۶

مخالفت مدیران شرکت و گردانندگان انجمن اسلامی و سایر اوباشان علیه شوراها به شکست انجامید. تعداد کثیری از کارگران در این مجمع عمومی شرکت کردند. آنها خواسته های خود را اعلام نمودند و از هیئت مدیره خواستار پاسخ گوئی به خواسته های خود شدند. هیئت مدیره که خود را در

شرکت واحد اتوبوسرانی
تهران و حومه
شماره ثبت ۵۱۳۷

شماره ۱۳۴۴۱۳۴
تاریخ ۱۳۵۹/۱۲/۴
پیوست

مدیریت سازمان خدمات کامپیوتری شهرداری تهران

این ترمیم مورخ ۱۳۵۹/۱۲/۴ هجرت مدیره در خصوص عیدی و پاداش پایان سال کارکنان شرکت واحد بشرح زیر انجام تصمیم گرفته شده است:

- ۱- عیدی کارکنان ۶۲ رزما احصاء محقق ثابت با حق معیشت به نسبت ایسوا دی و کمربند و حق بلطف فروران.
- ۲- کارمندان رسمی شرکت به ما محقق و حق العاد مشغل.
- ۳- کارکنان انفرادی (حق الزحمه محقق اله اوره) معادل یکماه مزد و پاداش و عیدی به نسبت کارکنان رسمی شرکت به ما محقق و حق العاد مشغل.

توضیح: این ترمیم معیشتی نسبت به سابقه با احتساب در مقابل ۵۰ درصد پرداخت بود. و بعد از اوردن جزایریان شرکت واحد بود.

مدیرعامل شرکت واحد اتوبوسرانی
مهندس ...

مقابل اتحادیکبار چه کارگران زبون یافته بود، حاضر به پذیرش ۶۲ روز عیدی برای رانندگان و یکماه برای کارمندان رسمی و قراردادی شد. در پی توصیه های آیت الله منتظری و نطق آقای رجائی دادیر عدم پرداخت عیدی به کارگران و زحمتکشان و لزوم سرکوب هرگونه مبارزه ای در این جهت، مدیرعامل شرکت طی اطلاعیه ای عدم پرداخت عیدی را در نیمه دوم بهمن اعلام نمود و آن

را به زمانی نامعلوم موکول کرد. اعتراض کارگران ابتدا با حرکات پراکنده شکل می گیرد. ساعت ۲/۵ روز یکشنبه رانندگان منطقه ۳ جلسوی حسابداری اجتماع می کنند. بعد از مدتی کارگران تعمیرگاه نیز به جمع آنان می پیوندند. رانندگان و کارگران تعمیرگاه شب دوشنبه را متحصصن شدند. مدیرعامل با فریب و نیرنگ قصد درهم شکستن مبارزات آنان را داشت، اما تا کام ماند. ساعت ۵/۵ صبح رانندگان صبح کار به جمع آنها می پیوندند. کارگران خیرا اجتماع خود را به سایر تعمیرگاهها و مناطق شماره ۱ و ۲ و ۴ می دهند. صبح دوشنبه دا منسه اعتصاب و کم کاری تمام شرکت واحد را فرا گرفت. اعتضای عضو هیئت مدیره و رئیس امورا داری و انتظا می شرکتست واحد به همراهی جاسوسان و اوباشانی که دور خود جمع کرده است به میمان

حکومت جمهوری اسلامی با توسل به شیوه های گوناگون، اعتصاب زحمتکشان شرکت واحد را سرکوب نمود. این امر نشانگر بی اعتباری رژیم جمهوری اسلامی در میان توده های زحمتکش میهن ماست. ۲۰۰۰ نفر از کارکنان شرکت واحد از جمله زحمتکشان محروم جا معه ما هستند رانندگان بیشترین تعداد این زحمتکشان را در شرکت واحد تشکیل می دهند. آنها بیش از ۱۲ ساعت در شبانه روز کار می کنند. زحمتکشان شرکت واحد از پاداش و درجه زمستان و گرمای تابستان در ترفیک شلوغ خیابانهای تهران جان می کنند. اما اینک کمترین زحمتکشان زیر بارگرانی کمربند و فقر روز افزون خم شده است. اغلب آنها با چند سرفاله ازداشتن سرپناهی هم محروم هستند آنها با حقوق ناچیزی که می گیرند همیشه هشتان گرونته شان است. فقر و فاقه روز افزون زندگی آنها و خانواده ها ایشان را بمخاطره افکنده است. از سوی دیگر سرمایه داران و تجار با آزادانه قیمتها را سرسام آور افزایش می دهند و هر روز مقدار بیشتری از حقوق ناچیز زحمتکشان را به جیب کثافتشان می ریزند. اما حکومت جمهوری اسلامی که از پاداش با بوق و کرنا سنگ "مستضعفین" را به سینه می زند بهانه های گوناگون دستور قطع پرداخت بخشی از حقوق ناچیز کارگران و زحمتکشان را می دهد. یک نمونه قطع عیدی و پاداش زحمتکشان شرکت واحد است. همه کارگران و زحمتکشان می دانند که عیدی و پاداش قسمتی از حقوق آنان است، که در زمان ششاه پنفران را در آخر سال به این شکل می پردا ختند. مدیران شرکت واحد چند روز قبل در مقابل مینارزات زحمتکشان شرکت واحد مجبور به پرداخت آن شده بودند و حتی با اطلاعیه ای آنرا ابلاغ کرده بودند. اینک دستور قطع عیدی و پاداش را صادر می کنند.

ادامه مبارزات زحمتکشان واحد به اعتصاب می انجامد

مبارزه زحمتکشان شرکت واحد از مدتها قبل برای کسب خواسته های شان ادامه داشت. دو هفته پیش شورای مرکزی تعمیرگاهها، کارگران را دعوت به شرکت در مجمع عمومی نمود.

دو روز تعطیل، ۴۰ ساعت کار در هفته، حق مسلم کارگران است

جنبش جهانی

بقیه ۱۱ صفحه ۱۱

فلسطین اشغالی، طی هفته‌های گذشته دانش آموزان و دانشجویان فلسطینی مورد حملات یانندهای فاشیستی قرار می‌گیرند. این دارو دسته‌های فاشیستی از حمایت کنیسه صهیونیستی و سایر ارگانهای اسرائیل برخوردارند و معمولاً توسط خاخام‌ها یا رهبران دینی صهیونیست رهبری می‌شوند.

از جمله یکی از این یانندها در شهر حیفاه به رهبری خاخام نژادپرست "مائیرکاها" رهبر جنبش نژادپرست "کاخ" خواستار اخراج دانشجویان عرب از دانشگاهها شده و رئیس یک آکادمی را تهدید کرده که اکسپرت دانشجویان عرب طی هفته‌های اخیر اخراج نشوند مورد حملات خشونت آمیز دارو دسته آنها قرار خواهند گرفت.

مبارزات دانشجویان و دانشمندان فلسطین در سراسر اراضی اشغالی اینروزها بویژه در حمایت از اعتصاب معلمان انقلابی خودمقامات حکومت نظامی صهیونیستی را به زانو درآورده است

ضد انقلابیون افغانی از امپریالیسم آمریکا اسلحه دریافت می‌کنند

ملاقات سید احمد گیلانی رهبر یکی از گروههای ارتجاعی افغانستان با یک مقام عالیرتبه آمریکائی هفته گذشته هفته گذشته رهبر یکی از گروههای ارتجاعی افغانستان (یکی از شاخه‌های اصلی تشکیل دهنده باعطلاح نهضت اسلامی افغانستان) در وزارت خارجه آمریکا، پیرامون کمکهای امپریالیسم آمریکا، به نهضت اسلامی افغانستان با یک مقام عالی رتبه آمریکا دیدار و گفتگو بعمل آورد. از جمله مسائل مورد مذاکره تحویل موشکهای زمین به هوا جهت تقویت نهضت اسلامی می باشد که با ید توسط آمریکا آنها از طریق پاکستان در اختیار این باعطلاح مبارزان قرار داده شود.

سلام به سازمان پرافتخار چریکهای فدائی خلق ایران، نماینده واقعی کارگران و زحمتکشان.

رفقای فدائی: من کارگر هستم. زمانیکه دولت با اصطلاح حابی مستضعفان اعلام می‌کند، در مقابل ۵۰۰ ریال هر هفته از بهران صاحب مسکن نیویورک. من هم مثل هزاران کارگر دیگر که آرزوی داشتن مسکن را دارم ۵۰۰ تومان در بانک ملی به حساب شماره ۱۳۴۶ واریز کردم. ۱۰ ماه از این مسئله می‌گذرد و هر وقت هم به مقامات اداره مراجعه کردیم جواب رده ما دادند، نه از مسکن خبری است نه از پول. نمی‌دانم، میلیاردها تومان پول کارگران و زحمتکشان را که با هزاران درد و رنج بدست آوردند به کجا برده‌اند.

این یکی دیگر از سیاستهای دروغ و آشکار دولت حامی سرمایه داران است. تا به این صورت ما کارگران و زحمتکشان را فریب بدهدولی نمی‌داند، با این کارها روز بروز ما کارگران پی به ماهیت واقعی این دولت خواهیم برد.

رفقای فدائی: تنها خواهش ما این است، این نامه را در روزنامه کار چاپ کنید، تا دیگر کارگران و زحمتکشان بدانند این دولت نماینده ما نیست ما باید خود شورا تشکیل دهیم و حق خود را و سرمایه داران بگیریم. همراه با این نامه مبلغ ناچیزی معادل ۱۰۰۰ ریال برای شما می‌فرستم تا در ادامه راهتان پیروز و سلامت باشید.

زنده باد کارگران و زحمتکشان
تا بودا سرمایه داران و حامیان آنها.

سلام به سازمان پرافتخار چریکهای فدائی خلق ایران، نماینده واقعی کارگران و زحمتکشان.

رفقای فدائی: من کارگر هستم. زمانیکه دولت با اصطلاح حابی مستضعفان اعلام می‌کند، در مقابل ۵۰۰ ریال هر هفته از بهران صاحب مسکن نیویورک. من هم مثل هزاران کارگر دیگر که آرزوی داشتن مسکن را دارم ۵۰۰ تومان در بانک ملی به حساب شماره ۱۳۴۶ واریز کردم. ۱۰ ماه از این مسئله می‌گذرد و هر وقت هم به مقامات اداره مراجعه کردیم جواب رده ما دادند، نه از مسکن خبری است نه از پول. نمی‌دانم، میلیاردها تومان پول کارگران و زحمتکشان را که با هزاران درد و رنج بدست آوردند به کجا برده‌اند.

زنده باد کارگران و زحمتکشان
تا بودا سرمایه داران و حامیان آنها.



نامه‌های زیادی از کارخانه‌ها برای ما فرستاده می‌شود، که تعدادی از آنها کارگران به طرح نظرات خود پرداخته و در تعدادی دیگر خواهان رهنمودهای مشخص برای پیشبرد مبارزاتشان می‌باشند. از آنجا که در اغلب این نامه‌ها مسائل و مشکلات مطرح شده است که به بخشی از طبقه کارگران ایران در کارخانه‌های گوناگون نیز مربوط می‌شود، از این پس به درج آنها در نشریه کارپردازان خسته و به آن نامه‌ها نیکه مربوط به سئوالات کارگری می‌شود پاسخ می‌دهیم.

ما معتقدیم که کارگران خودتنها کسانی هستند که می‌توانند با علم کامل بدیختی‌ها بی‌راک از آن رنج می‌برند برایمان شرح دهند، و بدین ترتیب در تهیه و تدوین بخش کارگری نشریه کارپردازان شرکت کنند. اهمیت شرکت کارگران در تدوین یک روزنامه عمده تا این حقیقت نهفته است که این شرکت امکان تبدیل این اسلحه را در مبارزه طبقاتی... به اسلحه‌ای بسازد برای رهائشان ممکن می‌سازد. باید بگوئیم تا کارگران این روزنامه را مسلسل خودشان بدانند.

بدینوسیله از کلیه کارگران ایران می‌خواهیم که همچون خبرنگاران کارگری در نامه‌های خود حتی جزئی ترین مسائل و مشکلات مبارزاتی همچون شکل گیری شوراها، برگزاری مجمع‌های عمومی و... یا ستمها نیکه به آنها روا می‌شود را به علاوه بیان خواستها، نظریات و احساسات کارگران در مورد مسائل گوناگون جامعه، کارخانه و غیره... را برای ما بفرستند. برای مانیویسید که کارگران چگونه در برخورد با مسائل گوناگون پی به ماهیت دشمنانشان برده و به صفوف کارگران آگاه و پیشرو می‌پیوندند. به همراه اینها مسلماً توضیح موارد زیر در نامه‌های شما از اهمیت زیادی برخوردار خواهد بود.

- ۱- وضع مالکیت کارخانه - دولتی یا خصوصی - نام صاحب کارخانه یا مدیر
- ۲- نوع تولید کارخانه و حدود میزان آن - تعداد کارگران مردوزن.
- ۳- وضع انجمن اسلامی و شورای کارخانه - اگر وجود دارد - و مختصری از حرکت گذشته آنها تا امروز.

نامه‌های شما را به مسئله مسکن می‌باشد که توسط یکی از کارگران برای ما فرستاده است و عیناً درج می‌گردد.

در تکثیر و توزیع آثار سازمان بکوشید

مسکن یکی از خواستهای بخش عظیمی از کارگران ایران می‌باشد. و همچنان که در نامه‌ها آمده است، کارگران باید با ایجاد شوراها و انقلابی خودبرای تحقق آن مبارزه نمایند. نمایندگان واقعی کارگران باید توجه داشته باشند تا زمانیکه کارگران صاحب مسکن نشده‌اند باید هزینه مسکن هر کارگر به او پرداخت گردد. این هزینه بر مبنای اجاره خانه مورد نیاز هر کارگر در شهرستانهای مختلف باید تعیین شود.

مسئله سود ویژه و...

بقیه از صفحه ۱

کار میبشد سود ویژه پرداختی بکارگران تقلیل پیدا نمیکردیم آن میرفت که کارفرمایان نتوانند از عهده پرداخت وجوه لازم خود برآیند. آری، این مصوبه چیزی جز تقلیل بخشی از دستمزد کارگران نیست که تحت عنوان سود ویژه به کارگران پرداخت میشود. اندکی وقت در این استدلال کافی است تا ما هیت ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی را بخوبی آشکار کنیم. آنها در واقع میگویند تنها راه نجات سرمایه داری غارت حداقل دستمزد کارگران است. برای اینکه کارخانکاران دچار رکود نشوند باید کمترین کارگران زیر بار تورم و گرانی خیم شود و به سبب روزی و فقر در ماننا پذیرد چارگر در بند اما کارگران برای مقابله با عواقب بحران اقتصادی جز با توسل به عملیات انقلابی و مبارزه جهت تحقق خواستههای اقتصادی خود راه دیگری ندارند. درست بهمین دلیل در شرایط کنونی بحران اقتصادی، مبارزات اقتصادی کارگران حول خواستههای از قبیل سود ویژه و طرح بلندبندی مشاغل و غیره انجام می یافته است. هر روز اعتراضات و اعتراضات در ایستگاه گسترده ای در سطح کارخانجات شکل میگیرد اگرچه گرفتن سود ویژه در اشکال متنوعی خواسته شده است. سراسری کارگران ایران است. اما مبارزات کارگران بگونه ای خود بخودی و پراکنده در سطح کارخانجات جریان دارد. هر چند بخشی از کارگران در ادامه روی خود با مدیران و کارفرمایان به این نتیجه رسیده اند که باید مبارزه خود را بر علیه رژیم که حامی منافع سرمایه داران است سوق دهند اما فقدان اتحاد سراسری کارگران هنوز امکان مبارزه متحدانه و سازمان یافته طبقه کارگران فراهم نکرده است. تنها تلاش کمونیستها میتواند با سمت دهی، سازمان دهی، و ایجاد پیوند میان عرصه های مختلف این مبارزات فاسد تداوم و ارتقاء آن گردد. کم توجهی به وضعیت کلی جنبش طبقه کارگر و عدم درک شرایط خاصی که هر واحد تولیدی دارد به تعیین یک فرمول عام می انجامد که در بهترین حالت به سردرگمی کارگران و جدائی آنان از توده کارگران منتهی خواهد شد. نا توانی از ارائه

یک برنامه عمل قابل لمس برای توده کارگران نشانگر درک نادرست از میزان پیوندی که کارگران، میزان توانائی پیشرو و چگونگی وحدت حرکت طبقه کارگر است.

درک شرایط خاص هر واحد تولیدی، می تواند نشناخت دقیق امکانات آن واحد و روحیات کارگران تسهیل کننده مهمترین وجوه این شرایط خاص عبارتند از:

- ۱- نوع مالکیت (دولتی، خصوصی، بزرگ، کوچک) نوع تولید، میزان وابستگی.
- ۲- سطح آگاهی و نوع شکل کارگران، میزان توانائی مبارزاتی، تجربه سیاسی کارگران.
- ۳- حضور یا عدم حضور پیشروان.

از آنجا که مبارزه کارگران در هر واحد تولیدی در ارتباط تنگاتنگ با شرایط آن واحد تولیدی در شناخت این شرایط نمیتواند مبارزات انتخابی های مناسب مبارزه جهت هدایت کارگران را آسانتر کند. کارگران پیشرو باید مبارزات کارگران را جهت تقویت تشکلهای شورائی کارگران پیوند زنند آنها باید توضیح دهند که هر راه حل موثر، تنها از خود کارگران و فقط از طریق تشکلهای انقلابی آنها یعنی شورای کارخانه عملی است. کارگران در این مبارزه از طریق فعالیت شوراهای درمی یابند که تنها با انتخاب نمایندگان واقعی خود قادر به پیشبرد مبارزه هستند و آنها در جریان مبارزه، نمایندگان سازگار را با رخواهند شناخت و دیگر فریب وعده و وعیدهای آنها را نخواهند خورد. اما با توجه به وضعیت کنونی مبارزاتی طبقه کارگر، کارگران پیشرو باید مرتشکیل هیئت تحقیق را تبلیغ کنند. این هیئت وظیفه دارد که با دخالت در امر تولید و حساسی برای تعیین خرید و فروش، میزان سود کارخانه را تعیین نماید. سپس به محاسبه سود ویژه و توزیع آن بین کارگران بپردازد. بدیهی است هر جا که شورای انقلابی، مرهدهایت مبارزات کارگران را بر عهده دارد خود باید مرتشکیل هدایت، هیئت تحقیق را به پیش برد. در غیر این صورت کارگران با سردرگمی جمع عمومی هیئتی از کارگران آگاه و مبارزان انتخاب نمایند. بدیهی است این هیئت مبارزات کارگران را جهت وصول سود ویژه نیز به پیش برد

مسئله سود ویژه و

جنبش انقلابی طبقه کارگر

در جامعه سرمایه داری، یعنی در جامعه ای که سرمایه داران مالک کارخانه ها، زمین... هستند، و استثمار فردا ز فرد وجود دارد، سرمایه داران از تمام امکانات موجود استفاده میکنند تا این ستم و استثمار را همیشگی سازند. آنها دولت و ابزارهای سرکوب آن نظیر ارتش، پلیس... را در اختیار دارند تا این نظام را حفظ کنند و هرگونه اعتراض کارگران و دیگر زحمتکشان را درهم کوبند. در این جامعه قوانینی هم که به تصویب می رسد، در جهت حفظ منافع سرمایه داران است تا به اصطلاح شکل قانونی به بهره کشی وحشیانه خود از کارگران ادامه دهند اما از سوی دیگر هر چه کارگران آگاهتر و متشکلتر باشند، و هر چه مبارزه طبقاتی تکامل یافته تر باشد، سرمایه داران از یک طرف مجبور میشوند که به کارگران امتیازاتی بدهند و از طرف دیگر می کوشند راههای راپیدا کنند که از طریق فریب و تخمیق کارگران، این ستم و استثمار را همچنان حفظ کنند. قانون سهم شدت کارگران در سود کارخانجات نیز یکی از شیوه های یا به اصطلاح دوز و کلک های سرمایه داران است. که دود هدف را دنبال میکنند. بقول معروف آنها با یک شیر دونشان می زنند، و الا ز یک طرف میکوشند که چنین وانمود کنند که کارگران خودشان در سود کارخانه سهم دارند، پس بنا بر این تضاد میان آنها و سرمایه داران وجود ندارد. بعبارت علمی تر سعی میکنند آشتی نا پذیری کارگران با سرمایه داران را آشتی پذیر جلوه می کنند.

ثانیا با این کارشان پرمیسان و شدت استثمار کارگران می افزاینند و بدبیشتری به جیب می زنند. آنها برای تشویق کارگران به افزایش تولید در صددنا چیزی به کارگران می پردازند تا به این ترتیب بر میزان سود کارگران خود بیافزایند.

از آنجا که سرمایه داران هیچگاه دستمزدهای واقعی را به کارگران نمی پردازند، آنها از این قانون برای مهار زدن بر مبارزات کارگران

نیز استفاده می کنند. سرمایه داران - حداقل دستمزدی را که باید به کارگران بپردازند به دو قسمت تقسیم می کنند، قسمتی را تحت عنوان و پسن مختلف سود ویژه و حق تولید، با داش و غیره می پردازند تا بدخواه خود در شرایط مختلف به حذف یا تقلیل آن بپردازند. سود ویژه در واقع جزئی از دستمزد کارگران است و سرمایه داران میخواهند با توسل به این شیوه هر وقت که بخواهند این بخش از دستمزد کارگران را تقلیل داده و یا قطع کنند. اما کارگران نه تنها با مبارزات خود خواستار محدود کردن سود سرمایه داران نمی باشند بلکه هدف آنها از این مبارزات جهت آینه شدن آنها با بد لغو کامل سود سرمایه داران و نابودی استثمار کارگران باشد. بعد از فرم راضی قانون سهم شدن کارگران در سود کارخانجات یکی از لواحق شش گانه رژیم شاه بود. با طرح این قانون از یکسو سیاست افزایش تولید و به همراه آن افزایش نرخ سود در نظر داشت و از سوی دیگر در مقابل اعتصاب و مبارزات کارگران جهت افزایش دستمزد، دست به این اقدام زد. بعد از قیام ۲۲ بهمن و تداوم بحران اقتصادی و تشدید آن که بصورت افزایش روز افزون قیمت ها، بیکاری، کم یابی کالاهای اساسی و فشارهای زان بردش کارگران و زحمتکشان سنگینی میکند. اما کارگران مبلغی را که بعنوان مزد دریافت میدادند چنان نا چیز است که کفاف ضروری ترین مایحتاج آنها را نمی کند. در این حال رژیم جمهوری اسلامی که حامی منافع سرمایه داران است میخواهد بحران را به خرج توده کارگران و زحمتکشان تعدیل کند. لذا به تشدید استثمار کارگران می پردازد، و در پی آن حمله به سطح معیشت زندگی کارگران را تشدید کرده است.

بهمین دلیل است که یکی از مسئولین ضد کارگروزارت کار جمهوری اسلامی میگوید: این مصوبه بخاطر نجات کارخانجات و کارگاهها از خطر رکود بیشتر تنظیم شده است. اگر این

۲ اعتصابات و اعتراضات

کارگری برای دریافت سود ویژه

اعتصاب در کارخانجات پارس الکتریک

سود ویژه از مدت‌ها پیش یکی از خواسته‌های برحق کارگران این کارخانجات بود. اما مدیران لیبرال با همکاری نمایندگان مکتبی سازشکار شورا حاضر به پرداخت سود ویژه به کارگران نبودند. زور و دوشنبه ۱۳ بهمن اعتصاب از قسمت بحاری شروع شد، سپس کارگران هرخل تولیدی با اعتصاب همبستگی دست از کار کشیدند. کارگران یکپارچه خواستار تشکیل مجمع عمومی شدند اما نمایندگان سازشکار شورا تن به این کار نمی‌دادند. از صبح روز سه‌شنبه کارگران واحد کرج پارس الکتریک به حمایت از کارگران اعتصابی واحد تهران دست از کار کشیدند. در این روز عده‌ای از کارگران نامه‌ای به دفتر نشر بنی‌صدر نوشته و به تصدیع کردن اعضاء به میان کارگران می‌برند. بحث زیادی بر سر چگونگی این مسئله بین کارگران درمی‌گیرند که بیشتر این صحبت‌ها حول افساکری علیه اعمال صدکا رئیس‌بری بنی‌صدر و می‌زدکارگران طوماری را که بیش از ۲۰ نفر امضاء کرده بودند پاره کردند و به این کارتن تدارک دادند. ساعت ۲/۵ مجمع عمومی تشکیل شد یکی از نمایندگان شورا که در ضمن عضویت و انجمن اسلامی نیز می‌باشد صحبت را آغاز کرد. تصدیع و متخرف کردن مبارزه کارگران و درهم شکستن اتحاد قدرتمند آنان بود اما کارگران او را هو کردند و بالای تریبون با شین کشیدند پس از آن عده‌ای از کارگران به سخنرانان پرداختند آنها ضمن پشتیبانی قاطع از اقدام اعتصاب چگونگی پیش بردن امر مبارزه را بررسی کردند هر کدام راه‌حلهای پیشنهادی خود را مطرح کردند کارگران متحداً خواستار حسابرسی امور مالی کارخانه، تعیین سود و منفعت کارخانه در سال جاری بودند آنها تصمیم گرفتند در صورتیکه به خواست‌هایشان پاسخ مثبت ندهند از خروج تولید جلوگیری کنند و به تشکیل شرکت تعاونی خود مستقلاً اقدام به توزیع و فروش تولیدات کارخانه بنمایند در پایان مجمع عمومی کارگران تصمیم می‌گیرند روز سه‌شنبه

۱۸ بهمن مجمع عمومی مشترکی بین تمام کارگران کارخانجات پارس الکتریک برگزار کردند تا به تصمیم‌گیری واحد برسند. اعتصاب تا روز سه‌شنبه ادامه می‌کند اما در روز شنبه مدیران لیبرال و نمایندگان سازشکار شورا از تشکیل مجمع عمومی جلوگیری بعمل می‌آورند و روز یکشنبه نیز کارگران در اعتصاب بسر می‌برند در پایان روز دوشنبه کارگران واحد کرج اقدام به تشکیل هیئت نظارت می‌کنند تا ضمن رهبری مبارزات کارگران امور حسابرسی امور مالی کارخانه و تعیین سود و منفعت کارخانه و توزیع سود ویژه را پیش برند کارگران مصمم اند به مبارزات متحد و یکپارچه خود را تا رسیدن به خواسته‌هایشان ادامه دهند.

اعتصاب در باطری سازی

مبارزات کارگران باطری سازی ابتدایاً با اعتصاب یکروزه و سپس با جلوگیری از خروج تولید جهت گرفتن سود ویژه ادامه داد. در روز شنبه ۱۸ بهمن ابتدا کارگران شعبه جلد دست از کار کشیدند کارگران سایر شعبه‌ها از اعتصاب کارگران شعبه جلد با خبر گشتند و اعلام همبستگی می‌کنند مدیرعامل در مقابل خواست کارگران جواب سبک داد و با لایحه‌ها از روز یکشنبه کارگران متحداً تصمیم می‌گیرند که به تولید ادامه داده ولی تا رسیدن به خواست‌های خویش از خارج شدن تولیدات کارخانه جلوگیری کنند چند کامیون روزیکشنبه برای خارج کردن تولید به کارخانه می‌آیند کارگران اجازه خروج تولید را به آنها نمی‌دهند. روز دوشنبه نیز مبارزات کارگران ادامه می‌یابد یکی از کارگران در سالن ناها رخوری سخنرانی می‌کند کارگران خواست‌های خود را مطرح می‌کنند، تشکیل شورا، سود ویژه، تعطیل پنجشنبه می‌باشند یک روحانی برای سخنرانی به کارخانه می‌آید و می‌گوید: "سود ویژه را نمی‌توانیم بپردازیم" کارگران سالن ناها رخوری را ترک می‌کنند. روز

اعتصاب و اعتراضات...

۳ مبارزات کارگران ارج

مبارزات کارگران ارج به دریافت خواسته‌های خود از جمله سود ویژه مدتهاست ادامه دارد. تاکنون مدیران دولتی و نمایندگان سازشکار شورا متحداً در مقابل خواست کارگران قرار گرفته‌اند، در چند روز گذشته کارگران قسمت مونتاژ با جمع کردن امضاء از قسمت خودخواهان پرداخت سود ویژه، حق تولید و غیره شده‌اند. تمام قسمت‌های کارخانه از این حرکت استقبال کردند کارگران متحداً خواستار تقسیم ۵۰ میلیون تومان سود سال گذشته و پرداخت سود ویژه کارگران در سال جاری هستند.

اعتصاب ده روزه کارگران

شرکت هومن

شرکت هومن یکی از کارخانجات گروه صنعتی ملی است کارگران این شرکت برای دریافت با دست تولید سود ویژه دست به اعتصاب زدند این اعتصاب با شرکت واحد یکپارچه تمام کارگران شروع شد مدیرعامل گروه از پاسخ دادن به خواست کارگران طفره رفت اعتصاب بعد از ده روز در این واحد تولیدی ادامه داشت در پایان ده روز، جلسه‌ای با سه اتفاق شورای کارخانه و شورای مرکزی گروه با مسئولین وزارت کار برگزار شد. قرار شد که کارگران به تولید ادامه دهند مدیرعامل و مسئولین دولتی تا دو هفته دیگر با بدی پاسخ قطعی بدهند کارگران بدهند در غیر این صورت کارگران اعتصاب را از سر خواهند گرفت.

اعتصاب در شرکت

کفش صنعتی تاف

این شرکت نیز یکی از واحدهای تولیدی گروه صنعتی ملی است مبارزه کارگران این شرکت برای دریافت با دست تولیدی از مدت‌ها پیش ادامه داشت در چند روز گذشته با اعتصاب کارگران به اوج خود رسید در جریان اعتصاب تنها می‌کارگران شرکت با اتحاد یکپارچه خویش با ردیگر قدرت بیگران خود را بنمایان گذاشتند اعتصاب یکروزه و نیم ادامه پیدا کرد مدیرعامل در مقابل اتحاد کارگران بزا نمود و قول داد با پرداخت تولید کارگران را بپردازد بدین ترتیب کارگران نشان دادند که با تسدیر اتحاد خود قادرند سایر واحدها را یک کام دیگر به عقب نشینی وادارند.

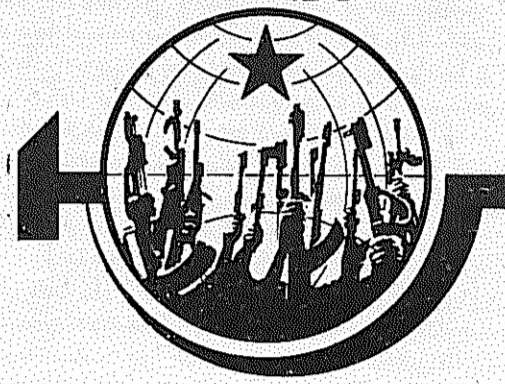
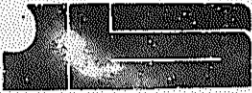
مبارزات کارگران فیلکو

کارگران فیلکو مدتی است بگریانه به مبارزه جهت گرفتن سود ویژه و سایر خواسته‌های خود دست زده‌اند کارگران با تشکیل دو مجمع عمومی دست به انضام هیئت مدیره و نمایندگان سازشکار شورا زدند کارگران متحداً در مجمع عمومی خواهان دریافت سود ویژه شدند مبارزه کارگران هیئت مدیره و نمایندگان سازشکار شورا را یک کام دیگر به عقب نشینی واداشت آنها مجبور شدند عساعت حق تولید را به کارگران بپردازند در پایان دومین مجمع عمومی کارگران با نظمانه‌ای خواستار پاسخ گوئی به خواست‌های خود شدند.

بخشی از طعنه‌ها که کارگران سرچ زیر است:

- ۱- ما خواهان پرداخت ۲۵ میلیون سود سال ۵۸ که دسترنج ما کارگران است می‌باشیم.
- ۲- چون حقوق ما کارگران رادو قسمت کرده‌اند بعنوان حق حقوق ثابت می‌دهند و برای استثمار بیشتر کارگران قسمت دوم را بعنوان حق تولید و به بهره‌وری پرداخت می‌کنند ما خواستار یک کام شدن حقوق خود می‌باشیم تا در موارد بیماری، از کار افتادگی، سانحه و بارشستگی دچار زیان نشویم.
- ۳- ما کارگران عا طعان به خواستار پرداخت سود ویژه هستیم و معتقدیم که سود ویژه قسمتی از مزد ما می‌باشد.

سود ویژه که قسمتی از دستمزد کارگران است پرداخت باید گردد



جنبش جهانی

کارگری - رهائیبخش

کسب سود هر چه بیشتر هستند اکنون
برای مقابله با کاهش نرخ سود، دست
به تعطیل و یا کاهش تولید در برخی از
بخشهای تولیدی و در نتیجه اخراج
کارگران زده اند تا زیانهای خویش
را بدینوسیله بحساب زحمتکشان جبران
نمایند. در این رابطه میزان بیکاری
در کشورهای امپریالیستی گرایش
صعودی دارد، و هر روز گروه فراوانی به
اردوی بیکاران افزوده می شود.

هفته پیش اداره آمار انگلستان
اعلام کرد که تعداد بیکاران در این
کشور در ماه جاری ۴۴۰۰ نفر افزایش
داشته است و تعداد کل بیکاران به
رقم ۲/۴۶۲/۲۹۴ رسیده است که ۱۰/۲ -
در صد کل نیروی کار محسوب می شود.
طبق همین گزارش ایرلند شمالی که در
پانزده سال گذشته شاهد مبادرت
استقلال طلبانه بوده است بالاترین
نرخ بیکاری را در اروپا دارد این رقم
۱۷/۲ درصد را تشکیل می دهد. نرخ
بیکاری در سایر کشورهای اروپائی
بشرح زیر است.

بلژیک	۱۳/۲ درصد
جمهوری ایرلند	۱۱/۸ درصد
فرانسه	۸/۳ درصد
ایتالیا	۷/۶ درصد
دانمارک	۷/۳ درصد

• پیروزیهای انقلابیون گواتمالا و

شیوه های فاشیستی رژیم دست

نشانده آمریکا.

هفته گذشته چریکهای انقلابی
گواتمالا روستای "دوپوشیلونور" را در
۹۸ کیلومتری گواتمالا سیتی پایتخت
گواتمالا به کنترل خویش درآوردند.
رژیم مزدور حاکم بر گواتمالا که به
دستوراربابان آمریکائی خود است
کشور را به مرکز دسیسه های ضد انقلابی
در آمریکا لاتین جهت توطئه علیه
خلقهای مبارز آن منطقه تبدیل
کرده و از جمله برای دارودسته طرفداران

ناکون یکی از کمبودهای شریه
کار، فقدان احیای روشهای مربوط
به جنبش جهانی طبقه کارگر، و جنبش
های رهائی بخش بوده است. انتقادات
معددی در این زمینه از سوی رفقای
هوادار به نشریه رسید. بمنظور جبران
این کمبود، تصمیم گرفته شد که از این
پس یک ستون نشریه به اخبار و گزارش
های مربوط به جنبش جهانی طبقه
کارگر و جنبشهای رهائی بخش در کشور
های تحت سلطه و وابسته اختصاص یابد.
البته کمترین تردیدی نیست که با
توجه به کمبود منابع بویژه محدودیت
هائی که رژیم بر سر راه ارسال نشریات
سازمانهای انقلابی و مترقی از خارج
از کشور به ایران پدید آورده است، تهیه
نارسانی ها و اشکالاتی در این زمینه
وجود خواهد داشت، اما هیئت تحریریه
کاوشگر تلاش خواهد کرد که تا حد ممکن این
نواقص را مرتفع سازد. بدین لحاظ
ضروریست که رفقای هوادار سازمان
نیز انتقادات و پیشنهادات خود را در
این زمینه برای ما بفرستند.

• مبارزات انقلابی در تایلد

جنگلهای شمال بانکوک در هفته
گذشته شاهد یکی از بزرگترین نبردها
های میان کمونیستهای انقلابی تایلد
و ارتش مزدور حاکم سرمایه داری در
این کشور بود. مقاومت و پایداری
انقلابیون در برابر نیروهای سرکوبگر
بحدی بود که خبرگزاری فرانسه از این
درگیری بعنوان یکی از عمده ترین
حملات دولت در تاریخ تایلد یاد
می کند. درگیریهای اخیر از روز چهارشنبه
هفته گذشته آغاز شد و چریکها ضمن دفاع
از مواضع و سنگرهای خود همچنان
پیکرانه می کوشند یک موضع مستحکم
را در منطقه کوهستانی لائی در شمال
بانکوک تسخیر نمایند. این انقلابیون
که به ساده ترین جنگ افزارها مسلحند
از سوی زحمتکشان تایلدی که همچون
سایر خلقهای زحمتکش هندوچین حاکم
مطمئن و پایداری انقلاب می باشند
پشتیبانی می شوند. رژیم مزدور در حمله
اخیر خود به مواضع کمونیستها بیش از
۲۰۰۰۰ ارتشی و تفنگدار را بکار گرفته
و با هواپیماهای بمب افکن و هلی کوپتر
های آمریکائی آنها را پشتیبانی
می کند.

• افزایش بیکاری در انگلیس

بحران سرمایه داری امپریالیستی
که اینک بشکل مزمنی گریبانگیر کل
سیستم جهانی سرمایه داری گردیده
است اثرات ویران کننده خود را هر
روز بیشتر نشان میدهد.
سرمایه داران جهانخواه که بدینال

دیکتاتور سرنگون شده نیکا را گوشه
سوموزا، اردوگاههای تعلیمات
خوابگاهها تا سینه کرده است، اکنون
خود در داخل با موج جدید جنبش انقلابی
با مسئله سرنگونی روبروست.

مبارزات انقلابی در گواتمالا هر
روزه گامهای جدیدی به پیش در جهت
سرنگونی رژیم حاکم بر میزاد و حکام
مرتجع و دست نشانده آمریکا که از
سرکوب جنبش انقلابی خلق توسط ارتش
و سایر نیروهای نظامی رسمی مایوس
شده اند به شیوه سایر مرتجعین در جهان
سرمایه داری دست به ایجاد توطئه
باند های سیاه در این کشور علیه
نیروهای انقلابی زده اند. این باند
ها طبق معمول از میان گروههای
راستگرا انتخاب شده و وعده دار مقابله
تروریستی با رشد جنبش انقلابی هستند.
هفته گذشته این باندهای ارتجاعی با
ترور اسکار آرتور شا عرچپ گواتمالائی
و یک دانشجوی انقلابی در دانشگاه
سن کارلوس جنایتهای جدیدی را مرتکب
شدند.

• جنبش خلق السالوادور همچنان

به پیش می تازد و رژیم مزدور در آستانه
سقوط قرار دارد.

امپریالیسم آمریکا برای توجیه
دخالت های جنایتکارانه اش در تقویت
رژیم وابسته و ضد انقلابی حاکم بر
السالوادور طی انتشار یک سری اسناد
و گزارشات ساختگی ادعا کرده است که
کشورهای سوسیالیستی و از جمله کوبای
انقلابی برای پارتیزانهای السالوادور
جنگ افزار ارسال می دارند.

این حيله قدیمی و توجیه
جنایتکارانه هفته پیش توسط
انقلابیون السالوادور برای جهان
افشاء گردید. جنبش انقلابی السالوادور
در طی انتشار بیانه ای ضمن تاکید بر
همبستگی انترناسیونالیستی با کلیه
جنبشهای انقلابی و کشورهای سوسیالیستی
جهان قاطعانه اعلام داشت که اسناد
منتشر شده از سوی دستگاههای
تبلیغاتی امپریالیستیها تماما جعلی
است. انقلابیون السالوادور با غرور
از پیروزیهای خویش سخن گفته و از همه
مبارزان ضد امپریالیست درس را سر
جهان خواسته اند که از جنبش انقلابی
آنها حمایت بعمل آورده و در خنثی
کردن توطئه های امپریالیستی آنها را
یاری نمایند.

• حملات باندهای فاشیستی

صهیونیستی به دانش آموزان

و دانشجویان فلسطینی.

بنا به گزارش خبرگزاری وفا از

بقیه در صفحه ۸

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست

جنبش کارگری

پیش بسوی تشکیل ...

پاسخدهای این مجمع عمومی که با شرکت نمایندگان و کارکنان نیروگاه و پست شهریاری - نیروگاه و پست بعثت (فرج با سابق) - نیروگاه و پست طرشت - پست ازگل - دیسپاچینگ نیروگاه ری و ... تشکیل گردید، عملاً به اجتماعی انقلابی و پرشور تبدیل شد و سرانجام کارکنان با صدور قطعنامه‌ای بشرح زیر با موفقیت به مجمع عمومی پایان دادند: ۱- هر گونه تصمیم‌گیری در مورد منافع کارکنان بدون حضور مستقیم نمایندگان منتخب شوراهای کارکنان از درجه اعتبار ساقط است.

۲- نمایندگان کارکنان همه قسمت‌های مختلف باید در تدوین طرح طبقه‌بندی مشاغل شرکت داشته باشند.

کارکنان سپس از میان نمایندگان شوراها "هیئت منتخب" را جهت مذاکره با هیئت مدیره شرکت انتخاب کردند و بدین ترتیب شوراهای واقعی کارکنان یک قدم به پیش بسوی تشکیل شورای سراسری توانیر برداشتند.

شورای بوتان باید

در جهت نظارت

و دخالت کارگری گام بردارد.

اخیراً شورای کارخانه بوتان از کارفرما میخواست که دو نفر از اعضای شورا با انتخاب شورا در هیئت مدیره شرکت شرکت نموده و چک‌های صادره نیز با امضای این نمایندگان باشد. در مقابل کارفرمای کارخانه که اکنون در برابرشورا، که متکی به نیروی اتحاد کارکنان است، خورا نا توان می بیند پاسخگوئی را به مجمع سهامداران موکول میکند. کارفرما با دیگر سهامداران به مشورت پرداخته و جلسه‌ای با شرکت آنها و اعضای شورا تشکیل میشود. آنها در جلسه مذکور چارچوبی را تعیین میکنند و با لایحه درخواست شورا میگویند "چون شورا هنوز از طرف دولت و وزارت کار قانونی نشده از نظر حقوقی نمیتواند در جلسات هیئت مدیره شرکت و در مورد چکها حق امضا داشته باشد. شورا باید فعلاً صبر کند تا وضع شوراها روشن و قانونی شود."

شوراهای انقلابی کارخانه‌ها در شرایط فعلی هر چه بیشتر نظارت و دخالت کارگری را در دستور قرار داده اند. کارکنان میروند که از بی‌راهه‌های نظارت و کنترل اعمال مدیریت، رسیدگی

به امور مالی و کنترل حسابرسی، نظارت و دخالت در تهیه مواد خام و بطور کلی نظارت بر تولید فصل نویسی از سازمان را بگشایند. آنها میروند که هر دم به تجربه مبارزاتی خود بیافزایند، آگاه تر شوند و با پی بردن به قوت و فن امور برداشتن گامهای بلندتر را بسوی اهداف بالاتر آغاز کنند.

اما سرمایه‌داران و عواملشان در مقابل این خواست انقلابی کارکنان میگویند بهر طریق و بهر بهانه‌ای مقاومت نمایند. چرا که کارکنان با تحقق نظارت و دخالت خود در امور کارخانه در حقیقت دخالت در نظم مطلوب سرمایه‌داری و تغییر آنرا به نفع خویش مورد نظر دارند. ما حیان کارخانه‌بوتان نیز سعی می‌کنیم با توسل به قانونی نبودن شوراها در چهار چوب قوانین سرمایه‌داری، جلوی حرکت شورا را سد کرده و آنرا به آینده موکول نماییم. سیاستهای حاکمیت در برابر شورا و تجربه کارکنان بخوبی نمایانگر این واقعیت است. پس از قیام حاکمیت تمام توان خویش را بکار گرفت تا شوراها را نابود سازد و تنها آنگاه که از اینکار عاجز ماند، کوشید تا شوراها را از محتوای انقلابی شان تهی سازد. بقای شوراها تاکنون در نتیجه وجود بحران عظیم اقتصادی، ناتوانی بورژوازی از تثبیت کامل و نیز روند مبارزات اعتیالی بنسبده کارکنان و دیگر زحمتکشان بوده است. کلیه قوانین نظام سرمایه‌داری پاسداران است. کارکنان، غارت زحمتکشان و ستم بر خلقها میباشند. و از آنجا که شورای انقلابی کارخانه در اقدامات استثماری رخنه ایجاد کرده و آنرا اساساً مورد تهدید قرار میدهد، نمی‌توانند تابع "قانون" سرمایه‌داری باشند. شوراهای کارخانه در یک جا معسر سرمایه‌داری تنها براراده کارکنان استوار بوده و تابع منافع و خواسته‌های آنان هستند. بدین دلیل شوراها در حرکاتشان هیچ نیازی به "قانونی بودن" ندارند. اما اکنون نظارت و دخالت کارگری شورای کارخانه چگونه صورت میگیرد. آیا باید دو نماینده شورا عضو هیئت مدیره شوند؟ آیا با شرکت یک یا چند کارگر در مدیریت هدف و خواست شورای انقلابی برآورده میشود؟ مدیریت بمثابه یک سیستم وظیفه حفظ نظم تولیدی را بعهده دارد. این سیستم آنچنان سازمان یافته که تسلط هنگامی که با برجاست، منافع اقلیت جامعه یعنی سرمایه‌داران تأمین میشود چنانکه کارکنان خود در تجربه می‌بینند که تعویض مدیر، آمدن این یا رفتن آن حتی تغییر شکل آن در کارکرد مدیریت تأثیر اساسی پدید نمی‌آورد و بی‌تأثیری ندارد که چه کسی درون سیستم مدیریت بر سر کار است. این پایه‌ای که یک یا چند کارگر در چهار چوب سیستم سرمایه‌داری عضو هیئت مدیره شوند، نمی‌توانند بی‌سازمان کننده نظارت و دخالت کارگری باشند. در این صورت کارکنان تنها به زائنده مدیریت بدل گشته و عملاشریک و مجری سیاستهای ضد کارگری آن میشوند. تنها تغییر سیستم مدیریت و حرکت در جهت انهدام آن سیاست پرولتاریای انقلابی

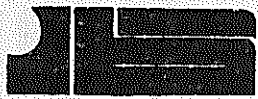
خبری کوتاه از ترکمن صحرا

روز بیست و دوم بهمن ماه رخائی نخست وزیر در حالیکه نظامیان و پاسداران زیادی او را اسکسورت میکردند برای ایراد سخنرانی وارد روسنای "توجمر" شد. هنوز چند لحظه ای ندهفته بود که چندین نفر از زمینداران سزر - بخش کلالة اطراف او را گرفتند. سرین آخوند، خدا یوردی قساری سخنوی زمینداران، بیضائی زمیندار و پروتئمدشهرکناله و شخص با نفوذ ارکان شورای دولتی اسلامی و چندین نفر دیگر از جمله این افراد بودند. درین لحظه به دهقانان با طرح شعارهای زیر اعتراض خود را نشان میدادند. "دهقان بیسوز است، فتودال نابود است"، "ما خواستار برای بند "ج" هستیم"، آنها از مصائب و دیدار فتودالها با رخائی سخت ناراحت شده و اعتراض خود را با این شعارها نشان میدادند.

است.

در شرایط کنونی نمایندگان شوراهای انقلابی کارخانه‌ها نیایستی به عضویت مدیریت درآیند. آنها باید در هیئت مدیره نمایندگان داشته باشند. این نمایندگان نه بشکل عضو هیئت مدیره، بلکه همچنان بعنوان نماینده شورا و بشکل ناظر عمل می‌نمایند. نمایندگان موظفند تمام مسائل درون مدیریت را به اطلاع شورا و کارکنان رسانند و در باره آن تصمیم‌گیری نمایند. بی‌تأثیری آنها نیایستی در تصمیم‌گیری مدیریت شرکت نمایند، بلکه تنها تصمیمات شورا و کارکنان را به اطلاع مدیریت رسانند و بر اجرایشان تأکید میکنند. بدیهی است که شورا باید برای حفظ تماس دائمی خود با کارکنان، مطلع ساختن آنان از مسائل از طریق دادن اطلاعات و آگاهی از خواسته‌ها و نظرات آنان مجامع عمومی را بطور مداوم تشکیل دهند. در مواردی نیز نمایندگان باید با کشاندن مدیریت به مجمع عمومی کارکنان و با درخواست وی اعمال ضد کارگری او را افشا نمایند.

با توجه به نکات بالا اکنون شورای کارخانه بوتان و هر شورای دیگری اگر بخواهد تا مین گننده خواسته‌های کارکنان در شرایط فعلی باشد، باید به افشای سیاستها و توطئه‌های سرمایه‌داران پرداخته و با اتکاء به نیروی متحد و متشکل کارکنان قاطعانه نظارت و دخالت را در تمام مورجاری کارخانه‌ها عملاً پیوشاند. شوراهای کارخانه‌ها باید نظارت بر تولید را با کنترل اعمال مدیریت، کنترل حسابرسی، نظارت بر امور مالی، تهیه مواد خام و ... به انجام رسانند. وظیفه کارکنان پیشرو است که با بردن این ایده‌ها میان کارکنان و تبلیغ وسیع آن، کارکنان را به ضرورت نظارت و دخالت و کارگری واقف ساخته و شوراهای را بسندان سمت هدایت نمایند.



طرح یک ضرورت و یک دستاورد (مسائل تشکیلاتی - مبارزه تبلیغاتی)

۱- طرح یک ضرورت

خطر همیشه موجودی که جنبش کمونیستی ما را تهدید می کند، ضعف شدید تئوریک و کمبود تجربه مبارزاتی و بخصوص تشکیلاتی است. اگر باین وضع، شرایط واقعی جنبش کمونیستی را که انتقال از مرحله محفل - گروه ها به اشکال عالیتر سازماندهی و تشکیلات است، بیفرمائیم، هر چه بیشتر به ضرورت تدوین و طرح مسائل تشکیلاتی در سطح جنبش می رسیم. واقعیت این است که دیگر جنبش ما در مرحله مبارزه محلی و تعیینی را پشت سر میگذراند، و دیگر ارتباطات فوق العاده زیاد شخصی و روابط محفلی و بهمین ترتیب شیوه های آموزش محفلی "چاره ساز مشکل گزینی" ما نیست. دیگر آنقدر نیروهای سیاسی آزاد از قید و توهما تا اولیه و مستقیم مبارزه زیاد است که "شیوه محفلی آموری" نمی تواند پدیا سخوی نیازهای آنها را چه سیاسی. ایندولوزیک و چه تشکیلاتی باشد. دیگر تبلیغ و ترویج فعالیت و انتقال شفاف تجربیات و دستاوردها در محفل ها و از طریق حوزه ها نمی تواند بسیار با بهره بسیار پرشور را بر آورد سازد و بدین جنبش کمونیستی ما به جنبه وجهی دیگر کند و بصورت زمان هر چه بیشتر با سجدهدو و بجهمده که

"... به مبرمترین مسئله جنبش ما، بنقطه حساس آن" رسیده است و "تشکیلات، بهبود تشکیلات و نظایط انقلابی و تکمیل تکنیک زیرزمینی ضرورت مطلق دارد." (یک مسئله مبرم از سه مقاله از لنین صفحه ۴۷ انتشارات و باطک) دیگر "ارگانهای فعلی حزب ارگان نهادها و گروهها و همینطور هم روزنامه ها) با دیدمسائل تشکیلاتی توجه بیشتری نموده و از این لحاظ بر گروههای محلی تا شریکدارند... (همان جا) واقعیت اینست که تنها کنون "روزنامه های سوسیال دموکراتیک ما معمولاً مسائل تشکیلاتی توجه کمی اندازه ناچیزی میدول" داشته اند (همان جا) و این آنضعف اساسی است که با بدیرطرف شود.

ما دفاعه با یداعتراف کنیم که ما نیز از این ضعف اساسی و مرحله ای جنبش کلامبری نبوده ایم. اگر چه ما از همان ابتدای جدائی ما از اپورتونیسیم و دنباله روی از توده ها با الهام از رهنمودهای لنین کبیر بسوی تدوین مسائل تشکیلاتی و طرح آن در "کار" سمتگیری کردیم و "هسته های سرخ کارخانه..." سازمانهای دموکراتیک توده ایی "تلفیق کار مخفی و علنی" و غیره از جمله دستاوردهای ما در این دوره بوده است، اما پیگیری لازم را نداشته ایم و مسئولیت بزرگی که جنبش در مقابل سازمان ما گذاشته بود، نبرداخته ایم.

اما تصور می کنیم که هنوز هم دیر رسیده است و بهمین دلیل خواهیم کوشیدار این بعدیا جمع بندی تجربیات و تدوین مسائل و مشکلات تشکیلاتی، آنها را در سطح جنبش منعکس نمائیم تا مبارزین و فعالین هر چه بیشتری (جدد و سابقان خودمان و چه در سازمانهای انقلابی دیگر) در جریان آنها قرار گیرند و با برخورد فعال خود (اگر چه تا کنون کوچکترین اثری از آن را ندیده ایم!) آنها را غنی بخشد و بدین طریق بصرفه اساسی جنبش کمونیستی هر چه بیشتر رفائق آئیم.

۲- طرح یک دستاورد

حقیقت آنستکه اگر شما نمایان را بر روی واقعیت ننندیم (البته بدیهی است که از اپورتونیسیتها و خائنین بطبیسه کار و روستان بوسان بورژوازی جنبش انتظاری بی مورد است) برکسارای مراسم بزرگداشت سالروز قیام خلقی و رستاخیز سیا هکل یک موفقیت بزرگ برای سازمان ما و جنبش کمونیستی ایران بود. اما آنچه در این جا مورد نظر ما است این نکته نیست. بلکه مسئله مورد توجه ما بررسی یکی از علل موفقیت سازمان در بسنج این جمعیت انبوه در این روزتاریخی بود. مسئله اینست که چرا علیرغم توطئه سکوت دولت جمهوری اسلامی و تلاش فائزها و سایر نیروهای سرکوب دولتی برای جلوگیری از هرگونه تبلیغ و ردودن هرگونه اثر تبلیغی سازمان بر دزدیوار شهرها با زهم سازمان بعنوان نیروی رزمنده و مبارز در همه جا مطرح شد و دولت را واداشت که توطئه سکوت خود را بشکند و انجام مراسم راهپیمائی را اعلام کند.

از موفقیت و دستاورد عظیم سازمانی ما در این حرکت بهره گرفتن و بکار بستن این رهنمود کمینتر بود که: "هنکا میکه حزب تصمیم میگیرد که از یک موقعیت خاص استفاده نماید، باید سعی در استفاده از "قوای تمام اعضا حزب برای این مبارزه تبلیغاتی بنماید" (تاکید از ما است. اصول سازماندهی حزب). حقیقت آنستکه علیرغم کوشش چندین ماهه در جهت تدوین برنامه و تبلیغ و ترویج درونی آن، در هفته های اول بهمن مساه عمده نیروهای سازمان (کادرها، اعضا، و هواداران) با تمام ایمان و پشتکار و پیگیری انقلابیشان صرف تدارک بسیر گزارای مراسم گردید. شاید با ورکردنی نیا شد که رفقا نیمه های شب پس از خستگی شدید حاصل از پخش اعلامیه و تراکات در خرابه یی و یا زیر سقفی ساخته شده استراحت میکردند و مجدداً با تمام مشور و شوق انقلابیشان شعار نویسی را آغاز می کردند. هرگز این خاطره را فراموش نخواهیم کرد که رفیق "جهان" این فدائی خلق و این انسان طراز توین، صبح

نامه یکی از زحمتکشان زیباشهر "قرچل" ورامین به "کار"

نامه به نشریه کار بدبختی های زیادی گریبان گیر مردم اینجاست و هیچکس هم به این سبیل رسیدگی نمی کند و حتی هیچکس حاضر نیست پای در دودل این مردم بشیند و خواسته های آنها را در روزنامه منعکس کند، مثل اینکه اینجا جزیره ایران که هیچ جزء ایران هم نیست. هر روز مردم را به یک شکلی تلک می کنند پس لیستی از یولهای بی را که از مردم گرفتند در اینتان می نویسم خودتان هم مینویسید تا شنید و تحقیق کنید. هر خانوادهای با ۱۵ تومان برای نابلوی سنا سانی محل پول بدهد ۱۵ تومان هر ماه پول آب از مردم میگیرند و باز کبیا هم شهرداری صد تومان قبض ما در کرده که مردم با ید پول آب بدهند مردم به شهرداری رفته و گفته اند هر ماه پول آب را شورای محلی از ما گرفته، اینهم قبض شهرداری میگوید میخواستید بدهید، مردم بدستورای محل میگویند شهرداری جیب قبضی ما در کرده، ما چه کنیم، شورای محل میگویند شهرداری غلط کرده، پول قبض را ندهید. (حالا اینجا مردم بیچاره چه کنند اینرا نمیدانم).

هر خانوادهای بفری صد تومان بخاطر اینکه پمپ آب توی چاه افتاده با ید پول بدهند. از هر خانوادهای ۲۰ تومان بخاطر کندن جوی آب گرفته اند یا رسال از هر خانوادهای ۲۰۰ تا ۴۰۰ تومان بخاطر اینکه میخواهند لوله های پلاستیکی آب را عوض کرد و آهنی کنند پول گرفته اند و از پارسال تا بحال که این لوله ها خریداری شده، همینطور بغل کوچه افتاده است.

دو سه روز قبل از مراسم وقتی که برای نظارت و بازرسی مستقیم کارها سرقرار حاضر شده بود، با شوق و ذوق فراوان تعریف کرد که سرتا سرب را با تفاسق رفقا پیش رنک در دست شعار نویسی در مناطق جنوب شهر کردارنده است و در پاسخ سؤال انتقاد آمیزی از رفقا که مگر مسئولیت تو این بود؟ در حالیکه می خندید با سخداد، این جورورها مسئولیت محدود معنایی ندارد. همین ما ناسد شعار بنویسیم" بواقع که از موفقیت سازمان مادر ۱۷ نفری چیزی جراحی است عمده قوای اعضا و هواداران سازمان حول این مبارزه تبلیغاتی نبود. و این دستاورد عظیم برولتاریائی جبابی بود که در این روز در نبرد با سرارزش والای خود را نشان داد و رهنمودی گشت برای تمام انقلابیون کمونیستی گشته برای تحقق آرمان برولتاریا بسیار کارخانه و مزرعه، در بدرد و نیاز شکار در هرکوی و برزنی می کوشد و تبلیغ و ترویج سوسیالیسم علمی را وظیفه انقلابی خود میداند.

رجائی باز هم زحمتکشان راه "صبر انقلابی" دعوت کرد!

آقای رجائی نخست وزیر در شب ۲ اسفند ماه "در رابطه با مسائل ملی چون گران و تورم و جنگ" پیغامی از تلویزیون خطاب به مردم فرستاد که بررسی آن میتواند بخوبی سیاستهای ضد مردمی دولت و حمایت بی شائبه آن از سرمایه داران را روشن سازد.

آقای رجائی در سلوچ سخنرانی خود بر طبق رسم معمول سردمداران رژیم، "تمامی" اقشار و طبقات "جامعه را به صبر (انقلابی!) دعوت نمود. او خطاب به کارگران گفت: "کارگران ما که همیشه در ایام عید از پاداش بزرگ خوردار بودید در این دوره با توجه به هزینه های سرسام آور جنگ... یک کمی صبر می کنید... ما در پرداخت مقصدار پاداش آخر سال دستمان بسته است و آنچه که باید داشته باشیم نیستیم... برادران کارگری بر سریم... رجائی در عوض پرداختن عیدی و پاداش، از کارگران خواست که تا میتوانند تولید کنند و سطح تولید را بالا ببرند و بدانند که انقلاب ما برای مادیات پست و شکم نبوده است. اما رجائی به کارگران و زحمتکشان نگفت و هیچگاه هم نمیگوید که اگر دست دولت بسته است چگونه این همه سلاح و مهمات خریداری می شود اگر دست دولت بسته است چگونه تمامی طلبهای آمریکا را بیکجا و نقد آنهم جلو جلویه او پرداخت کرده است. اگر دست دولت بسته است چگونه بنی صدر ۱۶ میلیون تومان خرج تزئین دفتر کارش میکند. اگر دست دولت بسته است چگونه هاشمی رفسنجانی فقط یک قلم ۲۰۰ میلیون تومان ارز را به بهانه خرید سلاح خرج می کند. چگونه وزارت دارایی فقط یک قلم ۲۰۰ میلیون تومان در اختیار بنیاد شهید می نهد. چگونه فقط یکی از ارقام چک وزارت دارایی برای نهادهائی چون پاسداران و کمیته ها ۲/۵ میلیون تومان است چگونه ۵۰ میلیون تومان از حساب بیت المال به کمیته امداد مسام پرداخت می شود و چگونه دریا فتی دفاتر ایات عظام در ماه سربه میلیونها تومان میزند. مگر تمام این پولها از شمره دسترنج زحمتکشان حاصل نمی شود. اگر دست دولت بسته است چرا برای سرمایه داران و سران رژیم بسته نیست؟ چرا غذا و لباس، مخارج ایاب و آهوا و خرج سفره و بنز و بنزین آنها آماده است و فقط وقتی نوبت کارگران میرسد پاداش عیدی و پاداش خود صرف نظر کننده کارگرانی که بسرای این پول نا چیز هزار جا چاه کنده اند تا شاید بتوانند گوشه ای از بدهکاری های شان را با آن بپوشانند و اخیانان پیش از مدتها می دیدند عید میوه و شیرینی برای بچه های خود بخردند. آقای رجائی نمی گوید که چطور باید به بچه گرسنه یاد داده صبر کند و غذا و شیر میوه نخواهد. چطور باید به مادران و فرزندانش مریض خود گفت که صبر کنند و او و دکتر

نخواهند. چطور باید به بدن خسته و گرسنه و بیمار خود نهیب زد که نه تنها باید صبر کرد و از خیر عیدی و پاداش و استراحت گذشت بلکه باید تولید را نیز با لایزال بر دوش سرمایه داران و حامیان آنها بتوانند عید خود و تمامی روزهای زندگی خود را بهتر، خوشتر و با سفره و شکم پرتر بگذرانند؟

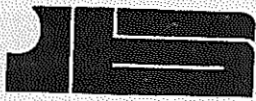
در عین حال آقای رجائی به "آن دسته محدود و معدودی هم که با بسی توجه به شرایط هستند و با قریب خورده و پاداش در این رابطه تحریک میکنند و کارخانه را به اعتصاب می کشانند" هشدار میدهد که "به خود بیایند و هر چه زودتر شرایط زمان را درک کنند زیرا مردم تحمل اینگونه حرکات تاراج را نخواهند کرد. رجائی اگر بخواهد صریح صحبت کند منظورش اینست که تمامی کارگران و زحمتکشان که از فقر و تنگدستی گران و کمبود پسته تنگ آمده و جان شان به لب رسیده است بخود بیایند و بدانند که در صورت اعتراض دولت تحمل نخواهد کرد. رجائی توده وسیع کارگران مبارزان انقلابی را "عده معدود و محدود" مینامد و نظراً و کارگران کفش ملی، کارگران بنزخا و کارگران باطری سازی نیرو، کارگران خدمات عمومی بنادر، کارگران برق تهران، کارگران تبریز، کارگران اسکله بندرعباس، کارگران شهر صنعتی البرز، کارگران شرکت واحد... تمامی کارگرانی که بر علیه سیاستهای ضد کارگری و ضد خلقی دولت دست بسته اعتراض میزنند "عده محدود و معدود" به شمار میروند. رجائی میگوید: "آنها بی که بدلائل مختلف آرایش جامعه را بهم میزنند آنها بی که برخلاف دستورات (وزارت) کشور به راهپیمایی میپردازند... در این شرایط همکاران صمیمی ریگان هستند... رجائی و قیاحانه هر کس را که آرایش جامعه سرمایه داری را برهم بزند همدست ریگان مینامد. از نظر او آوارگان جنگی که تحت فشار بی خانمانی و گران و فقر و سرما دست به راهپیمایی میزنند همدست ریگانند، زحمتکشان خاک سفید که در اعتراض به خراب شدن خانه ها ایشان دست به راهپیمایی میزنند همدست ریگانند و بالاخره صدها هزار نفر توده های خلق که به دعوت سازمان مسام در سراسر ایران جهت بزرگداشت رستاخیز سیا هکل و قیام شکوهمند خلق به راهپیمایی پرداختند همدست ریگانند.

رجائی در انتها بی شرمانه خلعت جما قدری اش را بر او میهد و میگوید "انقلاب ما سازنده بوده و اسلامی است انقلاب سرنیزه و تیرباران نیست اما بدو ارم شما با عث آن نشوید که این انقلاب تبدیل به انقلاب تیرباران شود." دقت کنید آقای رجائی مدعی است که رژیم جمهوری اسلامی یعنی سرکوبگر خلق کرد، عامل کشتار خلعت ترکمن، عامل بخون کشیدن خلق عرب،

عامل ترور رفقا، توماج، مختوم، واحدی و رجائی، عامل کشتار صیادان انزلی، عامل ترور رشوندها و نریمیها و گرجی بیانیها، عامل اعدام انقلابی چون آحسن ناهیدها و جها نگیر قلعه های ها، عامل زندانی کردن هزاران نفر از انقلابیون و اعمال وحشیانه ترین شکنجه ها، عامل ترورهای سیاه خرم آباد، عامل ایجاد "خانه های امن"، عامل احیاء ساواک و عامل صدها و هسزاران مورد قتل و کشتار و شکنجه رژیم سرنیزه و تیرباران نیست! و هشدار هم میدهد که بترسید و نگذارید که تبدیل به چنین رژیمی شود! گویی اینست دین صفتان تصور میکنند تنها رژیم هیتلرها و آریا مهرها و پینوشه ها رژیم تیرباران و سرنیزه اند و تا زمانی که در قتل و کشتار و سرکوب خلق به پای این جلادان درجه اول نرسیده اند نمیتوانند لاف دمکرات بودن و اعمال آزادی بزنند!!

از سوی دیگر آقای رجائی سرمایه داران را نیز نصیحت کرده و به صبر دعوت میکند و از آنان میخواهد که اینگونه در چپاول و غارت خلق "عجله" نداشته باشند و میگوید "ما برای چند روزی از این که مقدار جنس کمتری بفروشیم و درآمد کمتری داشته باشیم تحمل نمیکنیم؟... یعنی اینکه بهتر است سرمایه داران و غارتگران عزیز چند روزی تحمل کنند و اینقدر فشار گران و احتکار را سریع افزایش ندهند که مبادا طاقت خلق طاق شود.

در عین حال رجائی سرمایه داران را نیز تهدید می کند و میگوید: "اعلام میکنند سرمایه داری که جنس را احتکار نماید و خون خلق را در شیشه کند" باید بدانند که نمیتوانند سرمایه داران و تعهد انقلاب بزنند!! بدین صورت با آنان اتمام حجت میکنند که حداقل اگر خلق را چپاول می کنند سرمایه داران و تعهد مکتب نزنند و باعث تضعیف روحانیت و دولت مکتبی نشوید "رجائی باردیگر در "مقابله" با گران و احتکار که در اثر فشار روز افزون خود می رود تا توده ها را در مقابل حاکمیت قرار دهد، سلاح زنگ زده نصیحت و اندرز را بکار گرفته است سلاحی که از ابتدای برقراری جمهوری اسلامی شاهدیکارگیش توسط تمامی سران رژیم از آیت الله خمینی، شورای انقلاب و دولت موقت گرفته تا بنی مذبذب و ایدئولوژی که با ادعای حمله و مقابله با سرمایه داران بروی خلق کشیده می شود و اینرا دیگر توده ها به تجربه خود بخوبی فهمیده اند و دیگر میدانند که چگونه رژیم جمهوری اسلامی مهمترین و اصلی ترین عامل گران و تورم و بیکاری است و نصایح پدران سردمداران آن بجز تاید چپاول و غارت خلق توسط سرمایه داران معنای دیگری ندارد. ****



جیره بندی ارتجاعی، بسود سرمایه داران علیه زحمتکشان

بر اثر او جگیری بحران اقتصادی و با بروز عوارض ناشی از جنگ غیر عادلانه دولتهای ایران و عراق، فشار گرانی و کمبود ما یحتاج اولیه و تورم کمر شکن روز بروز بیشتر بردوش توده ها وارد میشود دولت جمهوری اسلامی در مقابل این مساله به تشکیل "ستاد بسیج اقتصادی" و ستاد طرح و توزیع عادلانه کالا دست زده است. رژیم توسعه هر چه بیشتر سیستم جیره بندی کالاهای مصرفی مردم را بعنوان "عمده ترین و موثرترین راه خاتمه بخشیدن به وابستگی اقتصادی و تورم" توصیف میکند. مادر کارشماره ۹۴ در این مورد نوشتیم که "در این سیاست که جهت حفظ و حراست سیستم بحران زده سرمایه داری وابسته بکار گرفته شده است، تنها چیزی که مدنظر قرار نگرفته است، منافع توده ها و زندگی فلاکت بار آنان بوده است" و توضیح دادیم که چگونه این طرح جیره بندی دسترنج و دستمایه زحمتکشان را بصورت سودهای کلان به جیب تجار و بازاریان و محترکان و کلاس سرمایه داران سرزیر میکند. اینک که مدتی از اجرای این طرح گذشته و توده های زحمتکش بخوبی ماهیت ارتجاعی آن را لمس میکنند، بهتر است به بررسی نمونه ای از آنها از آثار و عوارض آن بپردازیم و بعنوان مثال تا ثیرات سیاست جیره بندی قند و شکر را بررسی

نماییم.
در حال حاضر قیمت شکر در بازار آزاد هر کیلو حداقل بین ۱۵۵ تا ۱۸۰ ریال می باشد. در عین حال تمامی کالاهای وابسته به آن نیز به قیمت سرسام آوری رسیده اند از جمله قیمت نبات بکیلوئی ۲۴۰ ریال و آب نبات قیچی به کیلوئی ۳۰۰ ریال رسیده و چغای در قهوه خانه ها ۱۰۰ ریال و حتی ۱۵۰ ریال بفروش میرسد. تحت تا ثیر این مساله خرما، کشمش، آب نبات و... همگی بسرعت گران شده اند. بایددید فشار این افزایش قیمت ها بردوش چه کسانی وارد میگردد.

بر طبق آمار دولتی موجود (این آمار در صفحه ۱۰ کیهان پنجشنبه ۱۶ بهمن ماه نیز نقل گشته است) مصرف سرانه قند و شکر کشور در سال ۵۹، ۳۹/۸ کیلو است. با این حساب مصرف سالانه کشور یک میلیون و پانصد هزار (۱/۵۰۰/۰۰۰) تن خواهد بود. از این مقدار ۴۰۰ هزار تن شکر در زمینه مصرف غیر ضروری و لوکس... از قبیل قنادی، نوشابه سازی ها، شکلات سازی و یکی وابستگی سازی مصرف میشود.

(کیهان همان روز) به سادگی می شود حساب کرد که در ایران در سال ۱/۵۰۰/۰۰۰ تن شکر مصرف میشود که ۴۰۰/۰۰۰ تن آن مصرف کالاهای چون نوشابه و شیرینی و بستنی و یک میلیون و صد هزار (۱/۱۰۰/۰۰۰) تن آن به مصرف مستقیم مردم میرسد. یعنی مصرف هر نفر بطور مستقیم حدود ۲۹/۲ کیلو قند و شکر خواهد بود. دولت به ادعای خود با اجرای طرح سهمیه قند و شکر ۶۰۰ هزار تن در سال، در مصرف این مواد صرفه جویی کرده و ۱/۲ تن در جهت خود کفائی اقتصادی برداشته است! دولت در طرح خود به هر نفر ۱/۲ کیلو قند و شکر (۸۰۰ گرم قند و ۴۰۰ گرم شکر) در ماه میدهد یعنی هر نفر سالانه ۱۴/۴ کیلو قند و شکر میگیرد و ۴۰۰ هزار تن نیز به سایر مصرف کنندگان (یعنی قنادی ها، نوشابه سازی ها و...) تحویل میگردد. اگر کمی دقت کنیم ساله بسیار روشن است ۴۰۰ هزار تن مصرف مواد غیر ضروری و لوکس "سرجای خود باقی مانده است ولی سهمیه مصرفی هر نفر که ۲۹/۲ کیلو در سال بوده به ۱۴/۴ کیلو یعنی کمتر از نصف تقلیل پیدا کرده است. نتیجه این کار با لافتن سرسام آور قیمت قند و شکر می باشد. مثلاً شکر از کیلوئی ۲۴ ریال به ۸۰ ریال رسیده است یعنی بیش از ۷ برابر گران شده است.

بیشترین فشار در این رابطه به توده های زحمتکش وارد می آید. کارگران و زحمتکشان که معمولاً بخاطر سطح پایین درآمد و تغذیه و عدم توانایی دسترسی به میوه و سایر مواد غذایی قندی، قند و شکر و چای احیاناً مواد چون حلوا و خرما عمده ترین غذایشان را تشکیل میدهد. بیشترین بار این گرانی را تحمل می کنند (با بد توجه داشت که قیمت خرما بخاطر مکان استفاده با چای و حلوا بخاطر ساخته شدن با شکر بسیار افزایش یافته است) دهقانان که معمولاً مجبورند با چای شیرین و نان خالی شکم خود و خانواده شان را سیر کنند بیشترین فشار را تحمل میشوند و هرگاه در نظر داشته باشیم که بنا بر اعتراف خود رژیم سیستم توزیع کوپن در روستاها بخوبی و به شکل فراگیر انجام نمی گیرد، آنگاه میتوان به وخامت وضع روستائیان واقف تر گشت. و در چنین شرایطی است که بیشترین سود را سرمایه داران، تاجران و محترکان این کالاهای به جیب خود میزنند.

هرگاه در مورد ۴۰۰/۰۰۰ تن مصرف غیر ضروری و لوکس هم کمی بیشتر دقت کنیم بشکل روشنتری به ماهیت ارتجاعی سیاستهای

رژیمی می بریم. بعنوان مثال قیمت انواع شیرینی رشد سرسام آوری یافته است و عموماً به ۲ تا ۲/۵ برابر قیمت های قبل رسیده، در صحبت با چند قناد روشن میشود که قبلاً شکر کیلوئی ۲۴ ریال و روغن نباتی کیلوئی ۶۵ ریال بوده و اینک همین مواد به کیلوئی ۱۵۵ (صد و پنجاه و پنج) و ۱۶۰ (صد و شصت) ریال رسیده است. و اکثر قنادان بعلت کمی سهمیه به بازار آزاد روی آورده و حتی بسیاری از آنها بجای روغن از کره هلندی استفاده می کنند.

در اینجا چند مطلب روشن میگردد اولاد دولت در مورد مصرف شکر در بخش "لوکس و غیر ضروری" مقدار بسیار کمتری از مصرف واقعی را بعنوان آمار منعکس کرده و در حقیقت دروغ میگوید، دوماً در اینجا نیز سیاستهای دولت مستقیماً به نفع سرمایه داران، تاجران و محترکان شکر (روغن) تمام می شود. سوماً سیاست جیره بندی قند و شکر در جهت خود کفایی و قطع وابستگی در عین دام زدن به تورم، با لافزدن قیمت اجناس، افزایش فشار بر توده ها و... منجر به افزایش سرسام آور ورود کره هلندی نیز گردیده است!

سیاستهای ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی مشخصاً در خدمت حفظ و تادمین منافع سرمایه داران قرار دارد. رژیم از سویی با ادعای حمایت از "مستضعفین" جیره قند و شکر آنرا نصف میکنند و از سویی دیگر دست محترکین و سرمایه داران را جهت ایجاد بازار سیاه و چپاول خلق باز می نهد. از سویی با ادعای مبارزه با وابستگی و خود کفائی گوش خلق را کمر میکنند و از سویی دیگر با پیشبرد سیاستهای ارتجاعی خود با زار کالاهای چون کره هلندی، ادغ و دا غتر می کند؛ و این مساله نه تنها در این زمینه بلکه در تمام زمینه ها وجود دارد. رژیم از سویی به بهانه کمبود بنزین قیمت آنرا سه برابر می کند، طرح ترفییک پیاده می کند... و از سویی دیگر در عین آزاد گذاردن ورود تومبیه های خارجی و لوکس کارخانجات وابسته ای چون پیکان، رنو، ولند و... را نیز با حمایت بی دریغ خود به تولید هر چه بیشتر تشویق میکند. یا بعبارت ساده تر رژیم جمهوری اسلامی با فریادهای مرگ بر امپریالیسم مرگ بر وابستگی، بسرعت بنای ضربه خورده سرمایه داری وابسته را ترمیم میکند و به حفظ و حراست از منافع سرمایه داران مشغول است.

پرویز باد مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلقهای ایران

مشکلات عمیق دهقانان و شعارهای پوچ رژیم

- مخارج یک جریب زمین برای کشت گندم :
۱ - کرایه یکساعت تراکتور برای شخم زدن ۳۵۰ ریال
- ۲ - دو کیسه کود ۵۰ کیلوئی یکی موقع شخم زدن و دیگری بعد از آب بهاره ۷۰۰ ریال
- ۳ - چهار من گندم برای بذر ۴۵۵ ریال
- ۴ - زمین ۶۷ مرتبه آب می خواهد که برای هر جریب و هر دفعه ۱۸۰ ریال ۱۲۶۰ ریال
- ۵ - کرایه دوساعت تراکتور خرمن کوبی برای جدا کردن کاه از گندم ۹۰۰ ریال
- ۶ - مزد یک نفر کارگر برای جو کشی و مرزبندی ۷۵۰ ریال
- ۷ - مزد کارگر برای ۷ مرتبه آب دادن (هفت تا نصف روز) ۲۶۲۵ ریال
- ۸ - مزد یک کارگر برای یک ونیم روز کار ۱۰۵۰ ریال
- ۹ - مزد نصف روز کارگر برای جمع آوری و خرمن کردن گندمها ۳۷۵ ریال
- ۱۰ - مزد پنج نفر که همراه خرمن کوب هستند هر کدام دوساعت کار ساعتی ۸۰۰ ریال

جمع کل هزینه ۹۲۶۵ ریال
اما فروش گندم و کاه :

اگر یک جریب زمین زیا دگندم بدهد و بقول معروف بركت داشته باشد حداکثر ۷۰ من گندم میدهد. اگر قیمت گندم هر من ۱۱۴ ریال باشد خواهی هم داشت

فروش گندم ۷۹۸۰ = ۷۰ × ۱۱۴
فروش کاه ۱۳۵۰ = ۱۵ × ۹۰

از هر جریب گندم، حداکثر ۹۰ من کاه حاصل میشود
کل مبلغ حاصل از فروش گندم و کاه ۹۳۳۰
با این حساب درآمد یک دهقان از هر جریب زمین ۶۵ (۹۲۶۵ - ۹۳۳۰) ریال و با توجه به مقدار زمین کشت اکثریت روستائیان که حداکثر از ۱۲ جریب تجاوز نمی کنند درآمد ۷۸۰ (۱۲ × ۶۵ = ۷۸۰) ریال میشود. اما کشاورزان بجای اینکه مزد کارگر بدهند خودشان چه هم دیگر کم میکنند (یعنی بیشتر کار میکنند) تا کارشان راه بیفتد و به اصطلاح پول کارگر مزد بگیر را بجای استفاده محصول حساب میکنند که در این صورت درآمد حاصل از فروش گندم یک جریب ۵۶۶۵ ریال (۶۵ + ۵۶۰۰) میشود. و هم نظر که گفتیم اگر حداکثر زمین زیر کشت دهقانان را ۱۲ جریب بگیریم درآمد یکسال کاربی مسان دهقانان مبلغ ۶۷۹۸۰ ریال (۱۲ × ۵۶۶۵) خواهد بود یعنی یک خانوار روستائی با پنج الی شش نفر عائله با این گرانی و کمبود، بیکاری و هزاران مشکل دیگر باید با ماهی ۵۶۶۵ ریال زندگی کند و با اینهمه دست اندرکاران رژیم جمهوری اسلامی فریاد میزنند که "کشا و رزان کندم بکارند" ●

رژیم جمهوری اسلامی پس از دمیدن های بسیار در بوق و کرنای تبلیغاتی در جهت سرکوبی فئودالها و حل مشکل زمین بیغ دهقانان! ثابت کرده است که نه تنها قادر به حل این اساسی ترین مشکل توده های محروم روستائی نیست بلکه تمایلی هم به این کار ندارد اما در مقابل، مدام از دهقانان میخواهد که تا میتوانند بکارند! گجای بکارند! کدام مکانات؟ در کدام زمین؟ سردمداران رژیم نمی خواهند توجهی به گرانی های کمربند و سایل و ابزار کشاورزی، نبود آب، مشکلات جوی، ورشکستگی و آوارگی دهقانان محروم داشته باشند. آنها فقط در سخنرانی ها و نماز جمعه ها شعار میدهند که ای کشاورزان عزیز، تا میتوانید بکارید، با هر سختی و مشکلی که هست به کاشتن بی رقیه خود ادا میدهید تا عایدی آن که با مشقت و خون دل شما، به بار می آید، به جیب گشاد زمینداران بزرگ و سرمایه داران خونخوار و غارتگر برود.
برای اینکه مشکلات فئودالها و دهقانان کم زمین را بهتر درک کنیم، گزارشی را که روستائیان یکی از روستاهای گلپایگان فرستاده اند در اینجا می آوریم. در این گزارش مخارج کاشت و برداشت یک جریب زمین و عایدی آن به صورت ارقام نشان داده شده است :

دولت جمهوری اسلامی بجای تقسیم زمین های فئودالها، زمین ۳ هکتاری دهقانان را مصادره میکند

زمین مالکین و فئودالهای سرسپرده رژیم پیشین مثل سرهنگ پاکروان، به وسعت سیصد هکتار قابل کشت، دست نخورده ماند اما زمینهای دهقانانی که بین ۳ تا ده هکتار زمین دارند و خود در مناطق دیگر به کارگری مشغولند، مصادره شد. این مساله خشم و نفرت روستائیان را برانگیخت اما هیئت هفت نفره میگوید چون شما جای دیگر کار میکنید بنا بر این زمین شما تعلق نمیگیرد. روستائیان میگویند ما حاضریم دست از کارگری برداریم و روی زمینمان کار کنیم اما کفاف مخارج ما را نمیدهد. دهقان زحمتکشی که با زن و فرزندانش خود زنده است آمده بود میگفت چرا زمین ۳ هکتاری من مصادره کردید؟ من چطور شکم من و فرزند خود را با روزی پنجاه تومان دستمزد سیر کنم، با این کمبود و گرانی چطور میشود چند نفر با روزی پنجاه تومان زندگی کنند؟
هیئت هفت نفره که به کارگران روستائی میگوید چون روی زمین کار نمیکنید، زمین نمیتواند متعلق بشما باشد، میتواند با سخ این را بدهد که چگونه مالکی که هرگز در روستا پیدا میشد مصادره شد و با اینهمه زمین است؟ ●

مبارزه دهقانان 'زیوه' برای حفظ زمین

شورای روستای (زیوه) از توابع کریمی آذربایجان، زمینها را بیسند دهقانان تقسیم کرده و از حق آنها دفاع میکند.
دهقانان این روستا بعد از تلاشهای بسیار در پیایا سال توانستند شورای واقعی خود را تشکیل دهند. شورا در ابتدای فعالیت خود دست به تقسیم زمینهای زمینداران بزرگ بیسند دهقانان زد و جمله زمینهای شخصی بنام حاجی محمودخان را که از سرسپردگان رژیم شاه بود بین دهقانان تقسیم کرد اما حاجی محمودخان در پناه زورژاندارمها و سپاه پاسداران و با دخالت هیئت هفت نفره، دو زده هکتار از زمینها را مجدداً با مالکیت خود درآورد. اهالی زحمتکش این روستا که به حق خود آگاه شده و برای گرفتن آن بیخاسته اند، در مقابل آزار و سرکوب زمینداران و پاسداران حامی او ایستادگی کردند، کار به درگیری کشید و در این میان، روستائیان حاجی محمودخان را دستگیر کرده و تحویل پاسگاه دادند اما پاسگاه بلافاصله او را آزاد کرد و اینبار او با دست باز تر و حمایت بیشتری به سرکوب و آزار دهقانان پرداخته است. اما علیرغم همه اینها، شورا و دهقانان هنوز بر زمینهای خود مسلط هستند و میگویند ما به هیچ قیمت زمین را که از آن خودمان است دوباره به این زمینداران و دولت حامی او واگذار نمیکنیم. ●

دهقانان و زحمتکشان روستاهای میهنمان، پس از قیام شکوهمند ۲۲ بهمن ۵۷ میبنداشتند به بود در زندگی شان حاصل میشود. آنها تصور میکردند زمینهای غصب شده شان را با زپس میگیرند و از این پس برای خودشان کشت میکنند، تصور میکردند بساط زمینداران بزرگ برچیده خواهد شد، تصور میکردند بدهی ها و دیون دهقانان لغو خواهد شد، تصور میکردند مکانات بهداشتی و رفاهی به روستاها خواهد رفت و ۱۰۰۰ ماهرچه زمان بیشتری از قیام گذشت روستائیان بیشتر متوجه شدند که رژیم جمهوری اسلامی نه تنها قدمی در جهت تامین خواسته های آنها برنمیآورد، نه تنها از آنها حمایت نمیکند بلکه با تصویب قوانین گوناگون، از مالکین بزرگ و فئودالها طرفداری میکند. یکی از نمونه های برجسته اینگونه سیاستها، عملکرد هیئت های هفت نفره در دشت مغان است. این هیئت زمین فئودالها را که ۸۰۰ - ۵۰۰ هکتار وسعت دارد بطوری تقسیم کردند که بیشترین زمین و مرغوب ترین قسمت های آن به اقوام خویشان زمیندار رسید، مثلاً درجایی به مالک چهل هکتار رسید ولی دهقانان حداکثر ده هکتار زمین نامرغوب نصیب شد.

نگاهی به اوضاع سیاسی و حرکت اخیر لیبرالها

بقیه از صفحه ۲

زمینه‌های ذهنی دربین توده‌ها و در یک کلام فریب توده‌ها، میتوان با حکومت عراق و دربارش شداوزی دیگرانیکه مذاکره و خاتمه جنگ را برهبری خود و در تحلیلی نهایی بسود خود به پایان برند. هم‌و هم حزب جمهوری اسلامی و دولت رجائی اینستکه چگونه و با استفاده از کدام تاکتیک میتوانند بنی‌مرد را حذف کرده و به ترتیب پست فرماندهی کل قوا را به کف آورند. پله اول برای حزب جمهوری اسلامی اینستکه در کشاکش با لیبرالها بر سر تعیین وزرای امور خارجه، اقتصاد و دارائی و بازرگانی و دادگستری پیروز گردند. البته تاکنون دولت رجائی یک سلسله اقداماتی از قبیل برگزینی رئیس بانک ملی، ایجاد تغییرات در شهر بانی و... بعمل آورده و با وجود خالی ماندن جای چهار روزبر مذکور در کابینه، خود عملاً رسته امور را بدست گرفته و اکنون با فرستادن یک لایحه دوقدرتی به مجلس و تکیه بر قدرت مجلس در پی قانونی کردن آنست. هدف اصلی حزب آنستکه تا وقتیکه آیت الله خمینی در قید حیات بسر میبرد، با تکیه بوی، نقش لیبرالها و بنی‌مرد را در کارگانهای مختلف، ولت (وزارتخانه ها و ارش) به حد اقل کاهش دهد. زیرا تحقق این هدف پس از مرگ آیت الله خمینی صدبار دشوارتر از شرایط کنونی خواهد بود.

از طرف دیگر لیبرالها نیز باین وضع رادری کرده و تمام کوششهای خود را برای خنثی کردن سیاستها و اقدامات حزب و بنی‌مرد و برکناری او و دستکم کاهش قدرت قانونی مجلس و کابینه بکار برده اند.

در حقیقت هدف نهایی بنی‌مرد، اعلام غیرقانونی بودن مجلس و تجدید انتخاب نمایندگان و مجلس و از این طریق ساقط کردن کابینه رجائی است. هم اکنون کوشش لیبرالها برای حفظ و گسترش نفوذ سیاسی و موقعیت خود در دستگاه دولتی اساساً بر روی دو محور صورت میگیرد: آنها از یکسو کوشش میکنند تا همه نیروهای اپوزیسیون شخصیتها را که به نحوی از آنجا، با حزب جمهوری اسلامی مخالفت می‌ورزند بر زیر پرچم آزادیخواهی دروغین خود جلب کرده و به حرکت در آورند و از سوی دیگر سعی میکنند با فریب زبرکات توده ها را که پیش از این نسبت به سیاستهای ضد دموکراتیک و ضد مردمی حزب جمهوری اسلامی نفرت می‌پایند، از طریق ترتیب دادن میتینگها و سخنرانیها و با چهره آرائی و پوشاندن ما هیبت طبقاتی خود آنها را بسوی خویش جلب کرده و در میان مردم هر چه بیشتر پیگاه مردمی پیدا کنند. لیبرالها علیرغم تضادهای درونی خود، سعی میکنند قدرت قانونی رئیس جمهور را بعنوان رئیس قوه مجریه تکمیل و تقویت کنند. زیرا این قدرت تنها پناهگاه آنان است. آنها تنها از طریق قدرت رئیس جمهور میتوانستند حدودی به مقابله با حزب جمهوری بپردازند.

هم اکنون بنی‌مرد بخشهای وسیعی از مردم را بدینال خود کشانده است. توده هایی که از حزب بریده و گمان میکنند آنچه که بنی‌مرد تحت عنوان دموکراسی وعده میدهد، در واقع دموکراسی و آزادی حقیقی بوده و میتوانستند تغییر مثبتی در شرایط زندگی آنان ایجاد کند، توده های نا آگاهی که گمانشان از فشار بحران اقتصادی و وضع پرهرجومرج به لبرالها و خواهان نظم و آرامش می‌باشند، اکنون بسوی رئیس جمهور و لیبرالها جلب می‌شوند. بنی‌مرد با استفاده از این وضع موقعیتی که در ارتش کسب نموده است، میدانند که برکناری او از پست فرماندهی کل قوا، کار ساده‌ای نظیر برکناری کابینه بازرگان نخواهد بود. اما در مجموع میتوان گفت، آرزوی حزب جمهوری اسلامی برای برکناری بنی‌مرد از پست فرماندهی کل قوا و بعبارت

بهبتر غیرقانونی کردن قدرت اجرایی رئیس جمهور بیشتر از رویا های بنی‌مرد برای تجدید انتخابات نمایندگان مجلس و ساقط کردن کابینه رجائی به واقعیات سیاسی نزدیکتر است. فعل و انفعالات درونی هیئت حاکمه نشان میدهد که لیبرالها به شدت تحت فشار قرار گرفته اند.

در این شرایط، سران خیانتهکار "نهضت آزادی" نیز که در زمان اقتصاد خود سعی می‌کردند مردم را از زندگی فعال سیاسی به خانه‌های خود روانه کنند، اکنون خود را مجبور به برگزینی میتینگ می‌بینند!

میتینگ امجدیه که به دعوت چهار تن از نمایندگان لیبرال مجلس، بازرگان، سحابی، بزیدی و صیباغیان برگزار شد، نشان داد که حتی لیبرالهای سرشناسی که در "نهضت آزادی" لانه کرده اند و تاکنون سیاستهایشان در دفاع از سرماران و زمینداران لیبرال و تجدید با اصطلاح "مناسبات حسنه و دوستانه" با امپریالیسم در همه جا افشاء شده است، امیدوارند که با اینگونه حرکتها و فریب توده‌های مردم موقعیت سیاسی از دست رفته خود را، با ردیگر احیاء کنند.

آنها در این میتینگ، طبق روش معمول لیبرالها، با تظاهر به آزادی خواهی، خود را مدافع منافع مردم و دموکراسی معرفی کردند. اما این امر برای بسیاری از مردم جزو بدیهیات است که آنچه که به ذهن این آقایان خطور نمی‌کند و مدعیان از عراب‌نارده، دموکراسی واقعی یعنی دموکراسی است که از منافع توده‌های زحمتکش مردم دفاع می‌کند. لیبرالها تنها برای منافع سرما پیدا و از موقعیت خود در دستگاه دولت دل می‌سوزانند و نه برای مردم آنها از این بنا را چنانکه حزب جمهوری اسلامی قصد قبضه کامل قدرت را داشته و میخواهد بطور انحصاری قدرت دولتی را بدست گیرد. آنها تنها برای این زبان به اعتراض گشوده اند که اجازه سخنرانی در مجلس به آنها داده نمی‌شود، نطقی آقا با ن از راه بیرون می‌نماید!

و با آنکه "اختیار" مورمملکت در اختیار یک حزب واحد قرار گرفته است! و گروه سرکوب کارگران، دهقانان و زحمتکشان، با یمال ساختن آزادیها و حقوق دموکراتیک توده‌ها، سرکوب خلقها، دستگیری، شکنجه، اعدام و ترور انقلابیون، توقیف نشریات انقلابی، ممنوعیت فعالیتهای سرکوب سازمانهای انقلابی نه تنها مورد تأکید آنها است بلکه در مواقع ضروری خود در صف مقدم سرکوبگران قرار داشته و خواهند داشت. آری امروز حتی با زرگان هم‌نغمه "آزادیخواهی" سر میدهند اما کارنامه خیانت و شرکایش بزیدی، سحابی، صیباغیان و ننگینتر از آنست که با اینگونه عوام فریبیها بتوانند آنرا پنهان کرد.

اکنون در ذهن بسیاری از مردم این سؤال مطرح شده است که براستی چه شده است که این آقایان که در دوران اقتدار خویش، از احیاء رابطه با امپریالیسم آمریکا داد سخن داده و دستور سرکوب مبارزات توده‌های مردم را صادر می‌کردند، طرفدار آزادی و دموکراسی شده اند؟ چرا آنها از مذاکرات خود با ژنرال هویزتر آمریکایی سخن نمی‌گویند؟ چرا آنها نمی‌گویند که بچه منظوران ماجزات ایامی و مزدوران رژیم شاه جلگویی کرده اند و واقعیات آنستکه تعمیق بحران اقتصادی، و خات

بسیا بقیه آن و با رز تر شدن نشانه‌های یک ورشکستگی تمام عیار و در نتیجه گسترش مبارزه توده‌ها از یکسو و رانده شدن طبقات لیبرالها از مواضع قدرت از سوی دیگر پیش از این سرمداران "نهضت آزادی" را نگران ساخته و آنها را وادار به تلاشهای جدیدی کرده است. میتینگ امجدیه نیز تنها با زتاب چنین شرایطی است. این میتینگ تنها بیانگر تشدید تضادهای درونی هیئت حاکمه و تقویت فشارهای است که از جانب حزب جمهوری بر لیبرالها وارد می‌آید. لیبرالهای نهضت آزادی نیز با تاسی به بنی‌مرد، کوشش میکنند با شانه خالی کردن از زیر بار سیاستهای ضد مردمی رژیم جمهوری اسلامی در میان توده‌ها و وجه یافته‌ها و موضع مخالفت با روشهای حزب جمهوری، چهره مردم دوستانه‌ای بخود بگیرند.

سیاست فریب و دروغ دولت جمهوری اسلامی در مسئله آزادی

بقیه از صفحه ۱

قبولاند. چنان ادعا میشود که همه حقوق سیاسی و اقتصادی ایران که مورد تجاوز امپریالیسم آمریکا قرار گرفته است در پرتو اقدامات پیگیر و انقلابی دولت جمهوری اسلامی تا قبل از آزادی سوسان اعاده میگردد و کلیه مطالبات مالی - ارضی ایران که از طرف بانک مرکزی بین ۱۵/۵ - ۱۴ - میلیار دلار و حتی تا رقم ۲۴ میلیار دلار از زیر بار می‌دهد است و از مجموعها ذارائی منقول و غیر منقول دولتی و دربار که به اعتراف سخنگوی دولت بالغ بر ۲۴ میلیار دلار برآورد شده است، با اطمینان خاطر تضمین کامل تا قبل از آزادی گروگانها به کیسه از پیش دوخته دولت جمهوری اسلامی سر از بر میگردد. برده‌های حقیقی پشت پرده پس از آزادی گروگانها به بیش از پیش چهره واقعی دولت جمهوری اسلامی را در معرض دید افکار عمومی قرار میدهد. رجائی در توضیح ماجرای آزادی گروگانها در نشست تریبون مجلس چنین نتیجه گیری میکند: "به اعتقاد دولت جمهوری اسلامی سند فوق الذکر مصوبه مجلس شورای اسلامی پیش از آنکه ارزش اقتصادی و عملی داشته باشد، ارزش سیاسی داروا لاکیت است که تا نددسترس به اموال شاه و بستگانش پس از این همه سرصدها و هشیاری آنها کار ساده‌ای نیست و یا تضمین عدم مداخله آمریکا در ایران امری شدنی است."

رجائی در جای دیگری این گزارش تصریح میکند: "گرچه میدانیم که آمریکا به تعهدات لحظه‌امضاء و پیش از آن وفادار نباشد و از زواجل شاه و بستگانش بی‌احتمالاً چیزی بدست نمیدهد. بهزاد نیوی که تا دقایقی قبل از آزادی گروگانها در لباس زرم ساده مصاف با آمریکا و امپریالیسم جهانی بود پس از آزادی گروگانها با تکرار همین جملات رجائی نسبت به احقاق حقوق طبیعی ایران از امپریالیسم آمریکا اظهار رجز میکند. تا جاییکه در مصاحبه مطبوعاتی در تاریخ ۸ بهمن ماه ۵۹ هبیا خشم و محکم اظهار میدارد که: "اینقدر هم دیگر مشکل کاسبها چرت نیاندازید، که چقدر گرفتیم، و چقدر نگرقتیم."

پس از آزادی گروگانها رجائی و سخنگوی دولت در برابر مجلس و افکار عمومی به صراحت اعتراف می‌نمایند، که در سر اسرامه‌های مذاکرات ایران و آمریکا نسبت به عدم اجرای توافقهای بدست آمده از سوی ایالات متحده اطمینان خاطر داشته‌اند. ولی نه مجلس و نه دولت رجائی، تا پیش از آزادی گروگانها حتی کلمه‌ای در این باره به میان نمی‌آورند. و در تمام دوره مذاکره پشت پرده و روی پرده به مردم اطمینان میدهند که تا تحقق کامل و اجرای قطعی همه خواسته‌های ایران، و تا در یافتن همه مطالبات مالی - آرزوی - استرداد ۲۲ - ۴۰ میلیار دلار در آرای شاه و خانواده‌اش محاکمه گروگانها حکمی تردیدنا پذیر خواهد بود و تا دقایقی قبل از آزادی گروگانها، محاکمه آنها بعنوان عمل انتقام جویانه ایران نسبت به عدم تحقق خواسته‌های بقایای ایران تبلیغ میگردد.

اعترافات صریح رجائی و سخنگوی دولت تا زه پس از آزادی گروگانها نشان میدهد که در مسئله آزادی گروگانها دولت جمهوری اسلامی در پشت تبلیغات عوام فریبانه با زبانی گرفتارندها میلیار دلار در آرای سربرده و غارت رفته ایران را به مردم گفته است.

رجائی در گزارشی به مجلس در باره ما نور تبلیغات پیشین ۲۴ میلیار دلار تضمین درخواست

شده از آمریکا سکوت اختیار میکنند ولی نخست وزیر و سخنگوی دولت در مصاحبه‌های مطبوعاتی اقرار می‌نمایند که، پیشینه ۲۴ میلیار دلار تضمین درخواست شده با قوانین جاری در محاکم ایالتی و فدرال آمریکا مغایرت داشته است. و بخاطر این مغایرت و موازین دادگاههای آمریکا از آن صرف نظر شده است.

رجائی و سخنگوی او در گزارش به مجلس و مطبوعات هرگز به روی خود نمی‌آورند که، اگر بنا بود دولت جمهوری اسلامی صرفاً بطرقه ایست مقررات قوانین محاکم ایالتی آمریکا، تسلیم سازگارانه از تضمین درخواست شده چشم‌پوشی کند آنهمه شعارهای تبلیغاتی در باره این تضمین و ما نورهای عوام فریبانه در باره محاکمه گروگانها به چه منظوری بوده است؟

مطالبات ایران از سوی مراجع مالی کشور ۱۵/۵ - ۱۴ میلیار دلار در مطبوعات جهانی (روزنامه تا میز) و دارائی منقول و غیر منقول است. جمعی خانواده شاه در آمریکا از طرف دولت بین ۲۲ - ۴۰ میلیار دلار از زیر بار در این صورت مجموعه مطالبات مورد درخواست ایران گذشته از برداختهای توقیف شده ایران برای قراردادهای نظامی و اقتصادی با لغ بر رقمی بین ۴۶ - ۶۴ میلیار دلار خواهد بود.

دولت رجائی با چنین آگاهی و شناخت از امپریالیسم آمریکا و با چنان اعتراف صریح، بجای طرح تعقیب قاطعانه ۶۴ میلیار دلار تضمین از آمریکا، همچنانکه در عمل نشان میدهد، بصورت یک مانور سیاسی به طرح تضمین ۲۴ میلیار دلار دربارت می‌ورزد. و در پی این طرح پیشنهادی چه شعارهای انقلابی در وصف مبارزه ضد امپریالیستی جمهوری اسلامی به خورد مردم نمیدهد.

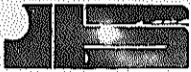
با اینهمه، تنها به تکیه بر مقررات دادگاههای ایالتی آمریکا کافیت است، دولت رجائی با اطمینان به عدم اجرای توافقهای سیاسی - مالی از سوی آمریکا و با وقوف به دروغ‌گویی آمریکا در باره استرداد ثروت غارت برده شاه و خانواده‌اش از پیشنها تضمین بدست عدول کند.

با چنین اعتراف صریح باید، به ابتکار عمل رجائی حق داد که، در گزارشی به مجلس و افکار عمومی برای فرار از رسوائی عدول از طرح تضمین از آمریکا سکوت اختیار کنند.

رجائی در گزارشی به مجلس و بنی‌مرد در مصاحبه مطبوعاتی، منحرف سازی افکار عمومی از مطالبات دهها میلیار دلار از ایران تا ما بر این نکته تا کید می‌ورزد، در ماجرای آزادی گروگانها دولت جمهوری اسلامی صرفاً هدف سیاسی در نظر داشته است. و تا ما بر این نکته تا کید می‌ورزد، در ماجرای آزادی گروگانها دولت جمهوری اسلامی صرفاً هدف سیاسی در نظر داشته است. و تا ما بر این نکته تا کید می‌ورزد، در ماجرای آزادی گروگانها دولت جمهوری اسلامی صرفاً هدف سیاسی در نظر داشته است.

تسلیم طلبانه از آن قطع امید کرده است ما نورهای دولت در باره اعاده آنهمه ثروت ضبط و تصرف شده از همان آغاز چیزی جز یک مشت شعارهای تسو خالی و مردم فریب نبوده است.

ادامه دارد



گرامی باد خاطر شهیدای اسفندماه

پتك است خون من در دست کارگر
داس است خون من در دست بزرگ

اسفند ۴۹

در بیست و ششم اسفندماه ۴۹ سیزده تن از یگانگان جنبش مسلحانه خلق ایران به دست جلادان رژیم مزدور شاه تیرباران شدند. دوتن از این گروه فدائیان شهیدرفیق محمد مهدی اسحاقی و رفیق محمد رحیم سماعی - در بهمن ماه در نبرد رویاروی در سیاهکسل به شهادت رسیدند. یادشان گرامی باد:

★ فدائی شهیدرفیق جلیل انفرادی متولد ۴ تیرماه ۱۳۱۹ در شیپوراز - کارگر جوشکار در شرکت شعله خاور - کارگر یخچال ساز آرج - کارگر سرویس کار در شرکت یخچال سازی جنرال استیل دبیرسندیکی فلکاران و مکانیک ها.

★ فدائی شهیدرفیق هادی (کا مران) بنده خداینگسروودی

متولد ۱۳۱۹ در لنگرود - دانشجوی دانشکده پلی تکنیک تهران.

★ فدائی شهیدرفیق غفور حسن پور اصل

متولد ۱۳۲۱ در لاهیجان - دانشجوی دانشکده پلی تکنیک تهران - رفقا فاطمه و مصطفی خواهر و برادر وی نیز بدست مزدوران پلیس و ساواک بسبه شهادت رسیدند.

★ فدائی شهیدرفیق عباس دانشی لهرادی

متولد ۱۳۲۱ دریم - دانشجوی دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران.

★ فدائی شهیدرفیق اسکندر رحیمی مسچی

متولد ۱۳۲۶ در لاهیجان - معلم مدارس فومن.

★ فدائی شهید رفیق ناصر سیف دلیل صفائی

متولد ۱۳۲۲ در سنگسر - فارغ التحصیل رشته مهندسی مکانیک از دانشکده پلی تکنیک تهران - کارمند کارخانه "تولیدارو".

★ فدائی شهیدرفیق علی اکبر صفائی فراهانی

متولد ۱۳۱۸ در تهران - دانشجوی دانشکده علم و صنعت تهران - کارگر چاپخانه - دبیر هنرستان سبازی نویسنده کتابهای: از جامعه چه می دانیم و آنچه یک انقلابی باید بداند - فرمانده یک پایگاه چریکی "جبهه خلق برای آزادی فلسطین".

★ فدائی شهید محمد هادی فاضلی

متولد ۱۳۲۳ در فیروزآباد فارس فارغ التحصیل رشته مهندسی برق از دانشکده پلی تکنیک تهران - کارمند وزارت آب و برق.

★ فدائی شهید رفیق احمد فرهودی

متولد ۱۳۲۵ در ساری - کارمند اداره دارائی در ساری.

★ فدائی شهید رفیق محمد علی محدث قندجی

متولد ۱۳۲۴ در تبریز - فارغ التحصیل دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران.

★ فدائی شهید رفیق شعاع الله مشیدی

متولد ۱۳۲۱ در رش - فارغ التحصیل رشته مهندسی برق از دانشکده پلی تکنیک تهران - کارمند بخش فنی رادیو تلویزیون - کارمند شرکت مخابرات.

★ فدائی شهید رفیق اسما عیلمعینی عراقی

متولد ۱۳۲۱ در اراک - فارغ التحصیل رشته مهندسی برق از دانشکده پلی تکنیک تهران - کارمند شرکت تلفن.

★ فدائی شهید رفیق هوشنگ نییری

متولد ۱۳۲۷ در لاهیجان - آموزگار روستاهای خرم آباد لرستان و دهکده "شاغولات" در نزدیکی سیاهکسل.

★ فدائی شهید رفیق فریدون نجف زاده

متولد ۱۳۲۵ در رشت - آموزگار در کنگاور - در اسفندماه ۴۹ دستگیر شد و پس از تحمل شکنجه های دژخیمان ساواک به شهادت رسید.

اسفند ۵۰

در یازدهم اسفند ماه ۵۰ شش تن از نخستین اعضای سازمان به جوخه اعدام سپرده شدند.

یاد این رفیقان همواره راهگشای مبارزه بر علیه استبداد دوا مبریا لیم بوده و خواهد بود:

★ فدائی شهیدرفیق مسعود احمدزاده

متولد مشهد - دانشجوی رشته ریاضی دانشکده علوم دانشگاه تهران - از بنیانگذاران ورهبران سازمان نویسنده "مبارزه مسلحانه"، "هنر استراتژی هم تاکتیک".

★ فدائی شهید رفیق مجید احمدزاده

متولد مشهد - دانشجوی رشته مهندسی برق دانشگاه صنعتی (شریف).

★ فدائی شهیدرفیق حمید توکلی متولد مشهد - از اعضای سازمان در مشهد.

★ فدائی شهیدرفیق غلامرضا گلوی

متولد ۱۳۲۶ در زابل - از اعضای سازمان در مشهد.

★ فدائی شهیدرفیق اسدالله مفتاحی

متولد ساری - از اعضای سازمان در تبریز.

★ فدائی شهیدرفیق عباس مفتاحی

متولد ساری - دانشجوی دانشکده فنی دانشگاه تهران - از بنیانگذاران سازمان.

در دوازدهم اسفندماه ۵۰ نیز چهار تن از نخستین اعضای سازمان بدست دژخیمان رژیم خونخوار شاه به شهادت رسیدند یادشان گرامی باد:

★ فدائی شهیدرفیق بهمن آژنگ

متولد ۱۳۲۵ در بندرانزلی دانشجوی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران و دانشجوی رشته زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه مشهد.

★ فدائی شهید رفیق سعید آریان

متولد مشهد - از اعضای سازمان در مشهد.

★ فدائی شهید رفیق عبدالکریم حاجان سهیل

از نخستین اعضای سازمان بود که همراه با شهیدرفیق هموزم خود به شهادت رسید.

★ فدائی شهید رفیق مهدی سوالونی

از اعضای سازمان در مشهد بود که پس از دستگیری، دژخیمان ساواک هر دو پای او را شکستند و سپس او را به شهادت رساندند.

در بیست و دوم اسفندماه ۵۰ دهن دیگر از زندگان فدائی به صف شهیدان افتخار آفرین سازمان چریک های فدائی خلق ایران پیوستند. یادشان گرامی باد:

★ فدائی شهیدرفیق علیرضا نایدل

متولد تبریز - نویسنده کتاب های "آذربایجان مسئله ملی" "اشیق" و "تولگی کتابی به زبان ترکی - چند نوشته و شعر...".

★ فدائی شهیدرفیق یمن امن نیا

متولد روستای "بزرگ آباد" ارومیه دانشجوی دانشکده کشاورزی دانشگاه تبریز.

★ فدائی شهیدرفیق جعفر اردبیلی

متولد ۱۳۲۲ در تبریز - کارگر آهنگر.

★ فدائی شهید رفیق علی نقی آرش

متولد ۱۳۲۶ در شهرری - دانشجوی دانشکده فنی دانشگاه تهران.

★ فدائی شهیدرفیق محمدعلی تقی زاده دیرچی

متولد ۱۳۲۶ در قریه دیزج - چراغ کاوگان آذربایجان - معلم سپاه هی در هیمه اصفهان.

★ فدائی شهیدرفیق حسن سرکاری

همراه با هشت رفیق فدائی بسبه شهادت رسید.

★ فدائی شهیدرفیق اصغر عرب هریسی

متولد تبریز - کارگر آهنگر.

★ فدائی شهیدرفیق عبدالمنصف فلکی تبریزی

متولد ۱۳۲۵ در محله حکم آباد تبریز - دانشجوی رشته ریاضی دانشکده علوم دانشگاه تهران - نویسنده و شاعر.

★ فدائی شهیدرفیق اکبر مؤید

متولد فروردین ۱۳۲۵ در تهران فارغ التحصیل دانشکده فنی دانشگاه تبریز.

اسفند ۵۲

★ فدائی شهیدرفیق مجتبی خرم آبادی

در تاریخ دوازدهم اسفندماه ۵۲ در درگیری در خیابان کوروش (سابق) میدان تریاپن از معدوم نمودن چند مزدور ساواک به شهادت رسید. دو برادر دیگر وی، احمد و محمود نیز بدست جلادان رژیم شاه به شهادت رسیدند. یادشان گرامی باد.

اسفند ۵۵

در روز هفتم اسفندماه ۵۵ دو چریک فدائی خلق در نبرد حماسه آفرین در خیابان کرمان به شهادت رسیدند. یادشان گرامی باد:

★ فدائی شهیدرفیق بهنام امینی دوان

متولد ۱۳۲۹ در آبادان - دیپلمه - کارگر کارخانه های کارتن سازی و کفش وین - برادر وی رفیق بهزاد نیز در تیرماه همان سال به شهادت رسید.

★ فدائی شهیدرفیق صبا بیژن زاده

متولد ۱۳۲۷ در مراغه - دانشجوی دانشسرای عالی سیاه دانش "ما مان"

★ فدائی شهیدرفیق عبدالرضا کلانتر نیسانکی

متولد ۱۳۲۳ - دانشجوی دانشکده فنی دانشگاه تهران - رفیق در ۲۱ مردادماه ۵۵ دستگیر شد و در ۱۸ اسفند همان سال به دست مزدوران رژیم به شهادت رسید.

اسفند ۵۷

در روز ۱۷ اسفندماه

★ فدائی شهیدرفیق جلیل حسواری نسب

★ فدائی شهید رفیق علی خلیقی

در راه آرمان سرخ طبقه کارگر به شهادت رسیدند، یادشان گرامی باد.

اسفند ۵۸

★ فدائی شهیدرفیق سعید عقیق سی

در کرمان نشاء توسط مرتجعین ربوده شد و در روز ششم اسفندماه ۵۸ جدسوخته اش که آثار شکنجه بر آن نمایان بود در نزدیکی دریاچه سراب نیلوفر پیدا شد.

★ فدائی شهیدرفیق داود میراحمدی

در تبریز در تظاهراتی که در روز نهم اسفندماه ۵۸ برای اعتراض به تیرور وحشیانه رهبران خلق ترکمن برپا شده بود، مورد ضربات گلوله پاداران قرار گرفت و به شهادت رسید.

★ فدائی شهیدرفیق محمد رفیعی

در شهر رشت به شهادت رسید و همچون دیگر شهیدان فدائی جان خویش در راه خلق فدا کرد.

گرامی باد خاطره فدائی مبارزات ضد امپریالیستی دکتر محمد مصدق

۱۴ اسفندماه است با چهاردهمین سالگرد گذشت دکتر محمد مصدق. مصدق رهبر جنبش ملی گردن صنعت نفت بین سالهای ۲۹ تا ۳۲ بوده و که پس از کودتای خاشاک ۲۸ مرداد با زدن او به سه سال زندان محکوم شد. پس از طی دوره محکومیت، به اقامت در احمدآباد مجبور گردید و تا پایان عمر (۱۴ اسفند ۱۳۴۴) در قلعه احمدآباد تحت تعقیب بسربرد.

شرح زندگی سیاسی مصدق و تحلیل دوران ملی شدن نفت، که از دوره های درخشان و افتخار آمیز مبارزات مردم ایران است در جای خود در خور بررسی است. در اینجا ما برای آگاهی نسل جوانیکه از قاصدای دوره این دوره تاریخی میگردیم - مهمترین جنبه های مثبت و منفی حرکات مصدق در رابطه با مبارزه ضد امپریالیستی مردم ایران در سالهای ۲۹ تا ۳۲ نظری افکنیم.

دکتر مصدق با بردن مسأله نفت به میان توده ها مفهوم رابطه استعماری را ب مردم نشان داد و درک اجتناب ناپذیری مبارزه را از مبارزه لیبرال لیبرال لیبرال داد. او از آنجا شکیکه در آن موقع امپریالیسم انگلیس، امپریالیسم خاکم بر خا ورمیانه بود به جنبش های ضد امپریالیستی در

این منطقه کمک کرد و در تعیین ال جنبش رهاش بخش ملی ایران را با بنیان شناساند.

مصدق در مبارزه ضد امپریالیستی لبه تیز حمله را بدرستی متوجه استان که در آن موقع امپریالیسم مسلط در ایران و خاور میانه بود گرفت، استفاده مصدق از تضادهای امپریالیستی در آن دوره بجا بود. لکن در این مورد روش او را از آنجا نقد کنیم. مخصوصا ما شایان است که امپریالیسم آمریکا که روبه قدرت بود، قابل انتقاد شده است. اصرا مصدق در فروش نفت به انگلیس و آمریکا و انتقال مصدق از دولت آمریکا که از پشتیبانی انگلیس دست بردارد، مصداق این امر است. مصدق در نامه ها شکیکه به اینها و رئیس جمهور آمریکا شوش روش مماشات خود را نشان داد.

مصدق روحیه توده های خرده بورژوازی را که با به جنبش ملی شدن نفت بودند بخوبی می شناسد و تا کتیگهای خود را با توجه به آن انتخاب میکرد.

مصدق در هدف خود در حدیک نما بنده بورژوازی ملی بیگنیر بود. گرچه از اینک را انقلابی هراس داشت اما با رفتی به مردم ایحسان داشت مجلس را برای بیان نظراتش مناسب ندیده میان مردم مدو گفت: "مجلس آنجا است که مردم آنجا باشند" و هنگامی که مجلس را مرکز توطئه دید آنرا آنکاه به نیروی مردم منحل کرد. او این ایمان به مردم را همان حدکه از او میستوان داشت را داشت تا آخرین گش حفظ کرد.

مصدق بدلیل ما هیت طبقاتی قاطع و بیگنیر نبود و علیرغم توطئه گریهای دربار بود در آن شاه خاش، سران ارتش و فئودالها و سایر نیروهای ضد خلقی نظیر آیت الله کاشانی و فلسفی به آنها کم بها داد و بیشتر به جنبه های قانونی مسائل توجه میکرد. او در زمینه مبارزه با فئودالها تنها به تصویب قانون کسر ۲۵ درصد بهره مالکانه بنفع دهقانان و شورا های ده اکتفا کرد. عدم برخورد را دیگال به مسئله ارضی موجب شد که از یکطرف فئودالها قدرت توطئه گرانه خود را علیه جنبش حفظ کنند و از طرف دیگر نیروی عظیم دهقانان به مبارزه کشیده نشود.

مصدق بنا به ما هیت طبقاتی به نقض ارتش و ارگانهای سرکوب کم بها داد. او بقیه در صفحه ۱۸



جنبش از فقر شورویک و فقدان شورویین عا ش که دارای خلاقیت و توانا شایعی جمع بندی تجربیات با شند، رنج می برد، کمبود رفقای چون مسعود احمدزاده و بیژن جزینی شدت احساس می شود. اما رفیق مسعود احمدزاده در راه آرمانان طبقه کارگر در راه با سخو ش بیستک ضرورت تاریخی در جامعه ما مبارزه کرد و بشهادت رسید. یا در رفیق برای همیشه در جنبش نوین کمونیستی ایران زنده خواهد ماند.

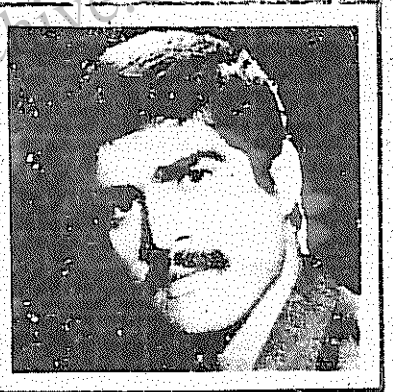
رفیق فدائی ابوالقاسم همتی در سال ۱۳۳۴ در محله که یورسمنستان در خانواده ای زحمتکش متولد شد. در سال ۵۳ در رشته تاسیسات حرارتی در مدرسه عالی تکنولوژی سمنان پذیرفته شد. او در همین سال فعالانه اعضا با ت این مدرسه عالی شرکت کرد. همزمان با او و شیبزی جنبش توده ای رفیق با تنی چند از رفقای خود در مسجد سلیمان دستگیر شد. پس از آزادی از زندان از خدمت اجباری فرا گرد و شما وقت خود را ایما روزه علیه رژیم شاه اختصاص داد. پس از تیان فعالانه در جهت آگاه کردن زحمتکشان سمنان کوشید. کتاب و نشریه از تهران به سمنان می برد و مواضع سازمان را تبلیغ می کرد. و نما ی شکیه عکس شهدا و جنایات ساواک را بر پسا کرد. پس از اشغال اکثریتی هها از مواضع انقلابی سازمان دفاع کرد و علیه اپورتونیستها مبارزه نمود. او ضمن رهنمودهای خود به سوا داران سمنان نوشت "فدائی زنده است، فدائی سازگارت نیست، فدائی به طبقه کارگر توده ها پشت نمی کند، فدائی به راه سرخش ادامه می دهد و ما زشکاران و خیانت پیشگان را جاشی در میان توده ها نیست". رفیق همتی فرزندان استین زحمتکشان بود و در راه زحمتکشان مبارزه کرد و پیشه دت رسیدید در رفیق فدائی ابوالقاسم همتی مانند تمام کسانیکه در راه طبقه کارگر و توده های زحمتکش مبارزه کردند و به شهیدت رسیدند جا و دان خواهد ماند.

و ما شیم روی می آورد و از سوی دیگر یکبار ردیگر را سبانی نیز با شسات رسیده که هنگامیکه شوروازی نتوانت از طریق با صلاح شیوه های رفیق و تمحیق بر بحرانیهای موجود فاش آید، حتی دولتهای بورژوازی توسط یک دا رودسته نظامی یا نمایندگان بخش های دیگر بورژوازی سرنگون خواهد شد. دولت اسپانیا که نما یین شده بورژوازی است، نتوانسته است به سر بحران سیاسی موجود فاش آید. به همین علت با یک کودتای نظامی رفیق و می شود. اسپانیا نیز هما نندتر که یک با ردیگر به کسانیکه فکر می کنند امپریالیسم هیچگاه دولتهای بورژوازی را سرنگون نمی کند و علیه آنها به کودتای نظامی متوسل نمی شود یک فاکت دیگر است.

گرامی باد خاطره فدائی شهید رفیق کیس مسعود احمدزاده

در صبحگاه ۱۱ اسفند ۱۳۵۹ رفیق کبیر مسعود احمدزاده یکی از بنیانگذاران و شورویین های برجسته سازمان به همراه پنج رفیق فدائی دیگر بدست دژخیان رژیم شاه اعدام شدند. رفیق مسعود احمدزاده سمبل مبارزه و مقاومت، یکی از بنیانگذاران سازمان جریکهای فدائی خلق ایران و پایه گذاران سنت مبارزه قهرآمیز در جنبش نوین کمونیستی ایران و مبارزه با اپورتونیسم راست بود. قدرت و خلاقیت رفیق در جمع بندی نظرات کسم نظیر بود، به جرات میتوان ادعا کرد که نظیر غم اشتباهاتی که رفیق در آن سر خود مبارزه مسلحانه هم استراتژی و هم تاکتیک "بویزه دربار" موقعیت انقلابی مرتکب شد، جنبش کمونیستی ایران کمتر کسانیکه را بخود دیده است که هما نند رفیق اینهمه خلاقیت، نبوغ و قدرت تحلیل از خود نشان داده باشند. بویزه امروز در شرایطی که

یاد رفیق شهید ابوالقاسم همتی گرامی باد



در تاریخ هفت بهمن، چهارشنبه شب یکی از رفقای هوادار سازمان، رفیق ابوالقاسم همتی در حین انجام وظایف سازمانی بطرز مشکوکی تصادف کرد و به بیمارستان منتقل شد و بعد از چند روز که در حال غما و بییهوشی بسر می برد در ساعت صبح سیزده بهمن ۵۹ خلق را بیدار و در گفت و به جمع شهید پیوست.

کمونیست همچنان رو با اعتلاست، جناح های بورژوازی جا کم هیچیک تا کنون نتوانسته اند بحران موجود را بهسار کنند، در چنین شرایطی است که ارتجاعی ترین نیروهای وابسته به سرمایه های بزرگ یعنی فاشیستهای فرانکیست که از حمایت و پشتیبانی امپریالیسم آمریکا نیز برخوردارند، و وسیعاً در دستگاه بوروکراتیک نظامی ساخته و پرداخته فرانکو نفوذ دارند، تلاش می کنند که با یک کودتای نظامی زمان امور را در دست گیرند، جنبش روبا عتلا توده ای را در اسپانیا سرکوب کنند و بر بحران سیاسی موجود فاش آیند. کودتای نا فرجام اسپانیا از یک سو نشان داد که امپریالیسم با تشدید بحران جهانی موجود و اعتلا جنبشهای کارگری سیش از پیش به میلیتاریسم

بمناسبت سالگرد درگذشت رفیق استالین



۴ مارس صد و یک سالگرد زاده است که پرولتاریای جهان یکی از رهبران برجسته خود را که تمام عمر خود را در راه مبارزه با ظلمت پرولتاریا، در راه پیروزی انقلابات پرولتری و پیروزی سوسیالیسم گذراند، از دست داد.

رفیق استالین سمبل مبارزه طبقه کارگر، تحسم اراده بولادیسین و آشتی ناپذیری پرولتاریا بود. او یک انتزاعاً سبوتالیست کبیر، یک مارکسیست لنینیست پیگیر و یک کمونیست نمونه بود.

رفیق استالین شخصیتی بود که در مبارزه علیه بورژوازی و عوام مسل آن در جنبش طبقه کارگر هیچگاه کوچکترین گذشتی نکرد. او با بیگنیری تمام در راه حزب کمونیستی که لنین پایه گذار آن بود، پرولتاریای شوروی را به سمت سوسیالیسم رهبری کرد. شهوان رفیق استالین سوسیالیسم از حدیک کشور فرار دست و بصورت یک اردوگاه سوسیالیستی و یک سیستم جهانی درآمد.

قاطعیت، بیگنیری و آشتی ناپذیری استالین باعث شده بورژوازی و عوطل آن در جنبش طبقه کارگر همیشه با کینه و نفرت از استالین یا دکند و بگویند که چهره او زگونی از این کمونیست کبیر آرا شده اند. پس از مرگ رفیق استالین ر ویزونیستهای حقیری چسبون خروخف و پاران و پیروان او کوشیدند با انگشت گذاری بر روی پاره ای اشتباهات استالین، شخصیت او را لکه دار کنند اما این اشتباهات در مقابل خدمتات ارزنده استالین به جنبش کمونیستی آنقدر نا چیز است که نمی تواند در راهی در خدمات و شخصیت او تردید بوجود آورد.

کوشیم به پیروی از استالین کبیر آشتی ناپذیر و سرخست در راه آرمان پرولتاریا، علیه دشمنان طبقاتی و انحرافات مارکسیسم-لنینیسم انقلابی مبارزه کنیم و با این مبارزه اختتام خود را به این کمونیست کبیر نشان دهیم و یاد او را همچنان پاس داریم.

توطئه طرفداران فرانکو در اسپانیا

خبر مربوط به کودتای نا فرجام طرفداران فرانکو در اسپانیا، یکی از مهمترین رویدادهای هفته گذشته بود. اسپانیا که از نظر اقتصاد نسبت به دیگر کشورهای اروپائی در وضعیت دشوارتری قرار دارد، از نظر سیاسی نیز با یک بحران روبروست. اما این بحران هنوز چندان عمیق نیست. مبارزات طبقه کارگر و جنبش توده ای علیرغم نقش مخرب و سازگارت حزب با ملاحظ

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر